



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



آیین‌های زیبایی‌ها

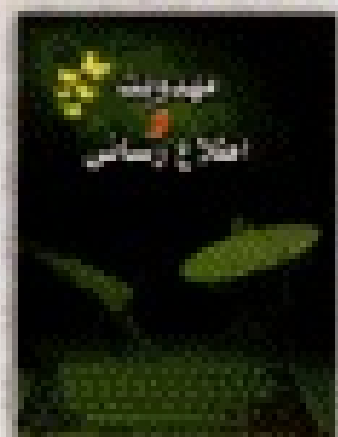


عمرانه با مغانی

روح‌شوم شد، هر چه دیدم

مهدویت و انقلاب روحانی

با آینه رنگورم...



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه‌ی زیبایی‌ها

نویسنده:

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آینه‌ی زیبایی‌ها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	۱ - آینه‌ی زیبایی‌ها
۶	اشاره
۶	آینه‌ی زیبایی‌ها
۷	مودت امام مهدی علیه السلام
۸	راه چیست؟
۸	دو نکته
۱۱	چشم خدا می‌بیند
۱۱	۲ - «چشم خدا» می‌بیند
۱۵	۳ - مهدویت و اطلاع رسانی
۱۵	اشاره
۱۵	مهدویت و اطلاع رسانی
۱۹	۴ ... - با که و برای که بگویم!!
۱۹	اشاره
۱۹	۴ ... - با که و برای که بگویم!!
۲۱	پی‌نوشت‌ها:
۳۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آینه‌ی زیبایی‌ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: آینه‌ی زیبایی‌ها همراه با مقاله‌های چشم خدا می‌بیند، مهدویت و اطلاع رسانی با که بگویم.../ محمود بحر العلوم میردامادی تهیه و تنظیم مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج) مشخصات نشر: قم: بهار قلوب، ۱۳۸۴. مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. فروست: سلسله مقالات شناخت شناسی مهدویت ۲. شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۳۶۱۰-۹-۵؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم) یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ص. [۷]-۳۶. آینه‌ی زیبایی‌ها - ص. [۳۷]-۵۴. چشم خدا می‌بیند - ص. [۵۵]-۷۱. مهدویت و اطلاع‌رسانی - ص. [۷۳]-۸۷. با که بگویم؟! موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. مقاله‌ها و خطابه‌ها موضوع: مهدویت--انتظار--مقاله‌ها و خطابه‌ها رده بندی کنگره: ۹۲۹۳/۴/۴BP۲۲۴/۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴-۳۵۹۷۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم چهار مقاله‌ی «آینه‌ی زیبایی‌ها»، «چشم خدا می‌بیند»، «اطلاع رسانی» و «با که بگویم»...؟! که پیش روی شما قرار دارد، مقالاتی است که در سفر نوشته‌ام. این مقالات بیان درد دل‌های فرهنگی و معنوی است. مطالعه‌ی این درد دل‌ها شاید وسیله‌ای برای بیداری همگان، به خصوص نسل جوان باشد. چه کنیم تبسم یار و لبخند نگار، رضایت صاحب ولایت و خاتم امامت شامل حالمان گردد؟ وظیفه‌ی ما در زمان غیبت چیست؟ به ویژه وظیفه‌ی تبلیغ دین و ترسیم راه و روش امام مبین و کشف حصین حضرت ولی عصر (عج) چگونه و با چه وسیله‌ای در این روزگار و عصر بی‌قرار، عصر توحش به جای تمدن، ظلم به جای عدالت باید اجرا گردد؟! این‌ها مسائلی است که در این کتاب آمده است. امیدوارم هیأت‌های مهدوی و ندبه‌ای، در کنار اشک در فراق ولی نعمت، وسایل تحقیق در موضوع امام شناسی را فراهم کنند و در هر شهری کتابخانه‌ی تخصصی، بلکه در هر مسجد و حسینیه و مدرسه و دانشگاهی یک حرکت با عظمت تخصصی در امر مهدویت آغاز گردد و «جشن میلاد نور» به وسیله‌ی منتظران ظهور، در همه جا به یک دهی پرمحتوا تبدیل گردد و همه‌ی صاحبان فطرت در داخل و خارج، تبلیغات با ارزش مهدوی را بشنوند و ببینند. و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین عجل الله تعالی فرجه الشریف و نحن معه سید محمود بحر العلوم میردامادی ۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۵ مبعث رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم

۱- آینه‌ی زیبایی‌ها

اشاره

...مصلحان! چه کسی به شما این جرأت را داده که خود را مصلح بخوانید. علو خواهی و فساد انگیزی مگر مصلح بودن است. اعلمو ان الله یحی الارض بعد موتها، مهدی آل مهدی مصلح است، شما اگر راست بگوئید و به وظائف زمان غیبت عمل کنید، زمینه‌سازان صلحید. (فرازهائی از نوشتار)

آینه‌ی زیبایی‌ها

تصوّر کنید انسان پاکیزه‌ای معطر و با ظاهر و باطنی آراسته به سمت شما می‌آید. آیا شما از او فرار می‌کنید؟ هرگز، مگر از طهارت

و پاکیزگی، عطر و زیبایی تنفر دارید؟ اگر شخص کثیف و آلوده‌ای با لباس چرکین و بدن متعفن از کنار شما عبور کند، یا در ماشین و یا در سالن غذاخوری کنار شما بنشیند، چه می‌کنید؟ آیا خود را جمع و جور نمی‌کنید؟ خود را کنار نمی‌کشید؟ پاسخ، مثبت است. چون انسان از آلودگی و کثافت و چرک و تعفن متنفر است. آیا شیء گران‌بهای را در اختیار این فرد آلوده قرار می‌دهید؟ آیا با وجود آلودگی، لباس مرتب و پرارزشی را به او اهدا می‌نمایید؟ پاسخ، منفی است. چون انسان آلوده، قدر لباس با ارزش را نمی‌داند و ممکن است از روی بی‌خردی لباس گران‌بها را آلوده نماید. سؤال دیگری داریم: آلودگی جسمی و چرکین بودن بدن و لباس بدتر است یا آلودگی روحی و فکری؟ مثلاً شخصی حمام نرفته و بدن و لباس او آلوده و چرکین است و دیگری حمام رفته و ظاهری آراسته دارد، ولی حسود و یا متکبر و مغرور است، از کدام یک از این دو بیشتر تنفر دارید؟ حتماً می‌گویید: آلودگی روحی و فکری بدتر و انسان آلوده به مفاسد روحی و فکری تنفرآورتر است، راست می‌گویید. این نوع آلودگی‌هاست که اختلاف می‌آفریند و جنگ می‌آفرودد. قتل و ترور، غارت و سرقت، ستم و تجاوز، و ... از آلودگی فکر و روح سرچشمه می‌گیرد. مثلاً حسد به اندازه‌ای بد است که خوبی‌ها را از بین می‌برد و فرد و جامعه را به پستی و زشتی می‌کشاند یا تکبر و غرور که کفرآور است و انسان را در برابر حق و حقیقت قرار می‌دهد. البته آلودگی ظاهری و چرکین بودن بدن و لباس هم خوب نیست ولی آلودگی باطنی و روحی دو صد چندان بدتر می‌باشد. مسلمان هم باید لباس ظاهرش خوب و پاکیزه باشد و هم به لباس باطن خود پردازد و روح و فکر خود را به لباس تقوا مزین نماید. «لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكُ خَيْرٌ». (۱) امام مهدی پاک و پاکیزه است زیرا از عترت و اهل بیت است، { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً } . (۲) او عبد خداوند متعال است و مقام نبوت و رسالت ندارد، ولی عصاره‌ی پاکان و بقیه‌ی خوبان جهان و آنچه از خوبی‌ها در خوبان عالم وجود داشته و دارد، در وجود مطهر او یافت می‌شود. امام مهدی «تَالِي كِتَابِ اللَّهِ» است اولاً قرآن می‌خواند، چه خواندن خوبی! در تشرّف سید بحر العلوم (ره) خدمت حضرت، نقل شده که حضرت قرآن تلاوت می‌فرمودند؛ سید گفت «چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن». (۳) اصلاً قرآن را باید او بخواند، قرآن با اوست و او با قرآن است. ثانیاً: او در کنار قرآن قرار گرفته است؛ مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نفرمود: «دو شیء گران قدر بین شما می‌گذارم: كِتَابِ اللَّهِ وَ عِزَّتِي». این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر حوض کوثر بر من وارد شوند. (۴) کتاب خداوند موجود است، اما عترت کجاست؟! امروز امام مهدی علیه السلام به عنوان وارث عترت و امامت، در کنار قرآن قرار گرفته است. خواننده‌ی عزیز! حتماً به عبارت {لَنْ يَفْتَرِقَا} توجه کن، چطور ممکن است که روزی قرآن باشد و عترت نباشد این امر با کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منافات دارد. پس امام مهدی علیه السلام آخرین فرد عترت معصوم در کنار قرآن و «تالی کتاب الله» است. در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ» (... ۵) امام مهدی علیه السلام خواننده‌ی قرآن و قرآن ناطق و ترجمان کتاب الله است.

مودت امام مهدی علیه السلام

مودت، محبت همراه با ابراز و عمل به دستورات محبوب است، و می‌دانید خداوند متعال مزد رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را مودت عترت و اهل بیت ایشان قرار داده است. قرآن می‌فرماید: {إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا}. (۶) مطلوب خداوند دو مطلوب نیست، یعنی مسلمانان مهم مودت اهل بیت را داشته باشند و هم راه خدا را اتخاذ نمایند. بلکه این دو یکی است، یک مطلوب است که به عنوان مزد رسالت به حساب می‌آید، مودت اهل بیت (علیهم السلام) که همان اتخاذ صراط مستقیم و انتخاب راه خداوند می‌باشد و شما خوانند عزیز می‌توانی در تفاسیر فراوان تفسیر صراط مستقیم را بشناسی که جز راه اهل بیت (علیهم السلام) راه دیگری نیست. (۷) قرآن می‌فرماید: {فَهُوَ لَكُمْ} (۸) و این مودت، و اتخاذ راه خداوند و شناخت صراط مستقیم به سود خود شماست. به به! چه مهربانی و رأفت بزرگی از طرف خداوند؛ پیامبر فرستاده، کتاب قانون نازل کرده، تالی و مفسر در کنارش

قرار داده و می‌گوید: مزد این پیامبر آن است که به کتاب قانون او بر اساس تفسیر تالی و مفسّر آن، یعنی عترت، عمل نمایی و این به سود خودتان می‌باشد. برادر و خواهر مسلمان! مودّت امام مهدی علیه السلام بسیار گران‌بهاست، همان طور که خود آن حضرت در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به نام «ثقل» عنوان شده است و ثقل به شیء گران‌بها می‌گویند. ارزش امام مهدی علیه السلام نزد خداوند معلوم است او آینه‌ی زیبایی‌ها است؛ زیبایی ایمان تقوا، عبودیت، عدالت و راستی، در وجود وی جلوه گر است. مودّت او هم گران‌بهاست، بعضی لایق نیستند مودّت داشته باشند. آدم‌های آلوده و کثیف، که لباس چرکین حسد و کبر و غرور بر روح و فکر آنها احاطه دارد و از لباس تقوا بی‌بهره‌اند، چگونه خداوند به آنها مودّت و شیء گران‌بها عنایت می‌کند؟

راه چیست؟

راستی چرا بعضی مودّت امام مهدی علیه السلام را ندارند؟ و از گوهر گران‌بهای مودّت به دورند. پاسخ این است که: اولاً، این گروه شاید اهل بیت (علیهم السلام) را نشناخته باشند. شناخت مودّت آور است شما چه مقدار امامتان را شناخته‌اید؟ هر مقدار می‌شناسید دوست می‌دارید. برای همین است که فرموده‌اند: «کسی که بمیرد و امام زمان خودش را نشناخته باشد، به موت جاهلیت مرده است». (۹) راستی همین است؛ مسلمان وقتی تالی و مبین واقعی قرآن، یعنی امام زمان را نشناسد، به او مودّت ندارد و مسلمان بدون مودّت یعنی مسلمانی که به اجر و مزد رسالت توجّه نداشته و با میزان و شاقول قرآن و سنت بیگانه بوده در نتیجه به مرگ جاهلیت مرده است. ثانیاً، شاید حق را فهمیده و حجت بر او تمام شده، ولی فساد درون و آلودگی قلب و مریضی روح وی را از نگاه به زیبایی‌ها و استشمام عطرها محروم نموده، حسد و کبر چشم دل او را کور کرده است. شما از کوردل چه توقع دارید؟ زیبایی و عطر گل و حتی وجود خود گل را انکار می‌کند. راه این است که بشر از حسد و کبر و صفات رذیله‌ی دیگر خود را رها نماید. راه این است که بشر به پرورش و ترکیه‌ی روح پردازد و خود را از تاریکی‌ها و چرکی‌های فکری و فرهنگی برهاند. مهدی شناسی با «تقوا» میسر است. مهدی یعنی هدایت شده چه کسی او را هدایت کرده است؟ هدایت پیشوایان معصوم با خداوند است و هدایت ما با پیشوایان معصوم؛ یعنی آنها واسطه‌ی هدایت ما می‌باشند. پس هدایت شده‌ی از طرف خداوند می‌تواند هادی مردم باشد. حضرت مهدی علیه السلام جزء پیشوایان هدایت شده و صادق است و ما دستور قرآنی داریم با پیشوایان صادق باشیم. قرآن می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } (۱۰) می‌بینید ... قبل از اینکه بفرماید: { كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } می‌فرماید { اتَّقُوا اللَّهَ } . کلام ما همین است اتَّقُوا اللَّهَ! مهدی شناسی اتَّقُوا اللَّهَ را می‌طلبد، باید برای نشست با امام پاکیزه، پاکیزه شوی؛ لباس پاکیزه باشد خودت را از آلودگی‌ها و چرکی‌ها شست و شوی. مهدی شناسی، ترکیه‌ی روح و پاکی قلب می‌خواهد؛ باید برنامه‌ی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم { يُزَكِّهِمْ } (۱۱) را در نظر بگیری و صفات رذیله خودخواهی علوّطلبی، ریا و سمعه و شرک را ترک نموده از گناه توبه نمایی.

دو نکته

دو نکته را برای خوشبختی در نظر بگیرید: ۱- در طیّ راه و مسیر مواظبت کنید که پای شما به خار و خس و اشیاء اذیت کننده مبتلا نگردد. در سیر الی الله خار گناه، مودی روح و قلب آدمی است. انسان با گناه به زمین می‌خورد و در سیر و سلوک موفق نمی‌شود. «اتَّقُوا اللَّهَ» به همین معناست، به معنای مواظبت و رعایت کردن، خود را از آلودگی‌ها حفظ نمودن است و شما توجّه دارید آلودگی‌ها دو نوعند: «قلبی» و «جوارحی». انسان متقی، و در واقع سالک راه خداوند، باید هم تقوای قلبی داشته باشد، و هم تقوای جوارحی تقوای قلبی این است که انسان بداند مالک ملک فقط خداوند متعال است؛ عالم اوست، غنی اوست، قادر اوست، و او می‌تواند از علم و غنا و قدرتش به بندگان خویش عنایت فرماید. تقوای قلبی این است که آدمی دل و قلبش را فقط به خدا بدهد،

یعنی دل و قلب آدمی جای محبت خداوند باشد. البته اولیای خداوند را برای رضای خدا دوست بدارد و با دشمنان او دشمن باشد. تقوای جوارحی، این است که انسان سالک مواظبت کند تا گرفتار گناه چشم و گوش و زبان و دیگر جوارح نگردد. خواهید گفت ملاک این که این کار گناه است یا نه، چیست؟ چه گناه قلبی و روحی و چه گناه جوارحی، ملاک و معیارش قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، اما به تفسیر و تبیین هادی که در هر زمانی وجود دارد. {إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ}. (۱۲) پیامبر منذر است، اما بیان انذار او و تبیین نسخه‌ی وی، با هادی می‌باشد. هادی بعد از پیامبر، علی بن ابیطالب علیه السلام است و هادی امروز، امام مهدی علیه السلام می‌باشد. ما با میزان و شاقل امامت این بزرگواران می‌توانیم صواب را از گناه تشخیص دهیم و حلال و حرام را از زبان هادی دریافت کنیم. ممکن است سؤال کنید مگر قرآن و سنت پیامبر معلوم و آشکار نیست می‌گوییم مگر ما در قرآن متشابهات نداریم؟ همانطور در سنت، هادی که راسخ در علم (۱۳) است، انسان سالک را به خوب و بد حلال و حرام آگاه می‌کند و نسخه‌ی خدا و رسول را توضیح می‌دهد. ۲- نکته‌ی دیگری که برای خوشبختی لازم است این است که با هادی حرکت کنید؛ نه مقدم و نه مؤخر. (۱۴) در این مسیر طولانی و این راه ظلمانی، بدون چراغ حرکت کردن کار عاقلان و کاری عاقلانه نیست. { قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا }. (۱۵) برگردید نور بیاورید! این چه نوری است؛ نور با مهدی بودن است، نور ندبه در فراق مهدی علیه السلام، نور زیارت آل یاسین، نور خیریه و مدرسه ساختن به نام و یادش، نور جشن دهی مهدویه. آیه را خوب توجه کن! { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ }. اول، «اتَّقُوا اللَّهَ» دوم «با صادقین بودن»، یعنی تقوا داشتن بر اساس مکتب صادقین باید باشد نه این که آنچه را که من و دیگران اسمش را تقوا می‌گذاریم، دستورالعمل باشد. تقوا در کلام خدا و سنت رسول، به توضیح و تبیین صادقین یعنی اهل البیت (علیهم السلام) مطلوب است. { وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ } (۱۶) نگاه کن! کتاب و میزان، «کتاب الله و عترتی» قرآن و علی علیه السلام و امروز قرآن و مهدی علیه السلام فلاح آور و عامل و خوشبختی می‌باشد. همین مطلب جای دیگر قرآن نیز آمده است: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ }. (۱۷) در این آیه اول تقوا را دستور می‌دهد و بعد توسل به وسیله را، این توسل یک امر الهی است. توسل به عترت برای اخذ دستورالعمل و توضیح مراد خداوند از آیات متشابهات و حلال و حرام الهی - توسل به عترت جهت رفع اجمال قرآن و فهم تفصیلی آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، توسل به عترت، آبرومندان در گاه خداوند، برای رفع مشکلات مادی و معنوی و این امر مشروعیت دارد و فرمان { ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ } - برای اهل فضل و کمال، میزان و دلیل خوبی است. برای همین است که به امام علیه السلام می‌گوییم: « يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ». (۱۸) او خدا نیست، وجیه نزد خداوند است می‌تواند به اذن خداوند برای ما شفیع گردد. پس باز امر «اتَّقُوا» در آیه‌ی شریفه با همراه بودن با آبرومندان هم آمده است. آن آبرومندان کیانند؟ تاریخ را بخوانید! حتماً تاریخ را بخوانید، نه تاریخ دروغین همراه با جعل و مکر را ... بسیار با احتیاط، با تدبیر، بدون شتابزدگی، تاریخ صحیح، واقعیت‌ها را، بدون تعصب بخوانید. آبرومندان پیشگاه خداوند کیانند؟ چه کسانی در مباحثه با پیامبر شرکت داشتند؟ (۱۹) «آیه‌ی تطهیر» و «داستان کساء» چه می‌گوید؟ امروز فرزند محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، یعنی مهدی آل محمد (علیهم السلام) «وجیه عندالله است و { كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } امروز یعنی با مهدی آل محمد بودن؛ و { ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ } امروز، یعنی در راه مهدی آل محمد کار و تلاش داشتن. « أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ». (۲۰) کجاست آن وسیله‌ی الهی؟ کجاست آن سبب که انسان را از خاک به عالم پاک برساند و به او سیر و سلوک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یادآوری نماید؟ سنت و روش مهدی علیه السلام، سنت و روش پیامبر است؛ (۲۱) از خودش چیزی نمی‌گوید، آنچه خداوند فرموده و در سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بوده توضیح و تعلیم می‌دهد. آیا می‌توانیم به او راه پیدا کنید؟ «أين بقیة الله؟» کجاست بقیة الله؟ یعنی عروج سینه‌های سوخته، رهبر و آخرین اندوخته کجاست؟ در ندبه حالت انتظارت را نشان می‌دهی، روان خویش را مهدوی می‌کنی، گلاب مهدوی می‌زنی! خیر چیست و کجاست؟ همه به دنبال اویند؛ همه به دنبال او می‌گردند، اما او را نمی‌یابند؛ اشتباه رفته‌اند؛ با

شهرت طلبی و شهوت خواهی که نمی‌توان به خیر رسید: {بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ}. (۲۲) مهدی برای شما خیر است، فقط «مهدی هذه الأُمِّيَّة من نسل الأئِمَّة الطَّاهِرِينَ صلوات الله عليهم اجمعين» برای شما خیر است. کجا می‌روید؟ کجا می‌روید خیر این جاست! مگر قرآن نخوانده‌اید؟ مگر دلسوز خود و اجتماعتان نیستید {بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ}، ولی مطلب این است که می‌فرماید {إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} ایمان گره گشاست {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} (۲۳) غیب حق تعالی است و مظهر غیب خداوند، امام مهدی علیه السلام است. مگر عیسی علیه السلام غایب نیست مگر یونس علیه السلام غایب نبود. امام مهدی هم به قدرت خداوند زنده و غایب است. بیاید به غیب مؤمن باشیم و به بقیه‌الله و آخرین اندوخته‌ی خداوند توسل جویم. سحر آمد زمان و صل دلداری کجا شد عاشقی با قلب غمبار؟ بیا معشوق را یک دم صدا کن به لیک ولا رو جانب دار! کجا برویم که امن تر از خانه‌ی فرزند امین باشد مگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین نیست عترت او نیز امینند، مهدی او نیز امین است. امین تر از مهدی علیه السلام کیست و کجاست؟ از زبان میلیون‌ها نفر انسان به شما می‌گویم: ما را راهنمایی کنید. ما را راهنمایی کنید! مگر نمی‌دانید باید زکات علمتان را بدهید اگر علم دارید؟! آیا آگاهید امین درگاه خداوند متعال امروزه کجاست؟ آیا در کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشانه‌ای از او دارید؟ شما را به خدا، من سرگردان را ارشاد کنید! آیا در «رضوی» است یا در «ذی طوی»؟ (۲۴) آیا در مدینه است یا کربلا؟ شما را به خدا، غریق را نجات دهید! من هم مثل میلیون‌ها نفر انسان غریق این اقیانوس مهلک‌ام. آیا اثری از کشتی نجات نمی‌بینید؟ آیا سراغ ستاره‌ی نجات بخش را دارید؟ مگر نجات غریق در اسلام واجب نیست؟ مگر صدای غریق را نمی‌شنوید؟ ای عالمان! اندیشمندان، مصلحان، صلح خواهان دلسوزان! ... صدای مرا نمی‌شنوید؟ من غریق گناهم، غریق شهوت و شهرت، حیران و سرگردان «ایسم ها و مسلک‌ها تبلیغاتشان بر حیرتم می‌افزاید! آیا چاره‌ای نمی‌یابید؟ چاره‌ای برای من بیچاره؟! انسان این قرن، قرن توحش به جای تمدن قرن ظلم به نام عدل. چاره‌ای برای همه‌ی بیچارگان دنیا؛ می‌دانید که نجات غریق، کار صواب و برای آن، چه ثواب‌ها می‌نویسند؟ {مَنْ أَحْيَاهَا} (۲۵) را خوانده‌اید؟ بیاید آب شیرین و گوارایی به کام من بریزید، قبل از اینکه مرگ مرا در کام خود بگیرد! {فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ}؟ (۲۶) آفرین به قرآن! به کلام الهی و آب گوارا به دست چه کسی است؟ چه کسی ساقی تشنگان است؟ شما به من بگویید: ساقی کوثر چه کسی است الان نسل تشنه‌ی حقیقت را چه کسی سیراب می‌کند؟ {فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ} ...؟ یافتم ... یافتم! من به شما زکات علم می‌دهم؛ شکر یافتن در یافتن دیگران است؛ نجات دیگران از مهلکه‌ی جهل و غفلت! «ماء معین» مهدی آل محمد علیه السلام است. آب گوارا، از «بحرین علم و عصمت ... همان بحرین که «لؤلؤ» و «مرجان» دارد (۲۷ ... لؤلؤ صلح و مرجان قیام! مهدی هم صلح دارد با مستضعفان، و هم قیام دارد با مستکبران. آب آور و ساقی تشنگان، نه مردگان! بیاید تشنه باشیم و به مصداق {قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ} (۲۸) به {بِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ} (۲۹) سری بزیم و دست ساقی را ببوسیم. یافتم ... یافتم! یافتم! مصلحان! چه کسی به شما این جرأت را داده که خود را مصلح بخوانید. علوخواهی و فسادانگیزی، مگر مصلح بودن است؟! {أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا}. (۳۰) مهدی آل محمد علیه السلام مصلح است؛ شما اگر راست بگویید و به وظایف زمان غیبت عمل کنید، زمینه‌سازان صلحید. عالمان! اندیشمندان! به علم و اندیشه‌ی خودتان مغرور نگردید، شما کمی از زیاد را هم نمی‌دانید قطره‌ای از اقیانوس علم را هنوز حایز نیستید! برای چه تکبر می‌کنید و به چه علت مغرورید؟ چه بخواهید و چه نخواهید، {مَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ} (۳۱) خواهد آمد. آیا خود را با او برابر می‌بینید؟ {هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون}. (۳۲) یا به وجود او ایمان ندارید؟! پس «روایات المهدی علیه السلام» در کتب فریقین چه می‌شود؟ و مگر او فرزند امام عسکری علیه السلام یازدهمین اختر خاندان رسالت نیست؟ (۳۳) مگر می‌شود او هنوز متولد نشده باشد؟ با علمتان جهل می‌ورزید، علم وسیله‌ی بیداری مردم است نه بهانه‌ای برای نشر جهالت! حمد خدای را، که آیه‌ی شریفه‌ی {وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ} (۳۴) را خوانده و تفسیر و تأویلش را دانستیم. خداوند! تشنه بودم، آب حیات مهدوی به من رساندی و از دریای مهلک جهل و غفلت و عدم شناخت امام مهدی علیه السلام نجاتم دادی! با این آیه، دانستم که آمدن او

حتمی است. می‌فرماید: { وَ لَقَدْ كَتَبْنَا } - الله اکبر! - از ناحیه‌ی قدرت، قادر متعال می‌فرماید: { لَقَدْ كَتَبْنَا }؛ در کتب آسمانی قبل، در صحف سماویه بشارت داده‌ایم، به تشنگان گفته‌ایم که حکومت زمین به بندگان صالحم می‌رسد. مقصود حکومت مهدی آل محمّد علیه السلام است؛ پس چرا کلمه‌ی بندگان را به کار برده است؟ حکومت او حکومت بندگان خداوند است، نجات بندگان در تحت لوای ولایت اوست مگر می‌شود کسی بنده‌ی صالح باشد، بدون این که توسّل و تمسک به ولایت او داشته باشد؟! به به ... چه آیه‌ای! این آیه را برای همگان بخوانید به زبان‌های مختلف ترجمه کنید، در مدخل دانشگاه‌های دنیا بزنید؛ همه بدانند که او خواهد آمد. همه بدانند تا مایوس نباشند؛ همه بدانند تا امیدواری را با امید استقبال کنند و فاتحه‌ی یأس را در جامعه بخوانند! مسلمانان، با آیه‌ی { وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ } (۳۵) به انتظار آمدن حبل الله باشند و با گل علم و عمل، مقدم منتظر را گرامی بدارند. موحدان، با عطر توحید و کلمه‌ی « لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » به دیدار شرط فلاح بشتابند (۳۶) و بزرگی کردگار را در آیین‌های دلداری ببینند. بر آن سریم که سر به پایش نهیم و مقدمش را بوسه باران کنیم. بر آن قصدیم که بر محور « کتاب الله » و میزان « عترت »، مطهر باشیم تا لایق درک مطهر شویم! والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته سید محمود بحر العلوم میردامادی

چشم خدا می‌بیند

... حسین شناسان، چرا مهدی شناسی را دنبال نمی‌کنند؟! مگر عاشورا با انتظار بی ارتباط است؟ چرا، دهه‌ی عاشورا و دهه فاطمیه داریم، اما دهه‌ی مهدویه نداریم ...؟! اگر دولت و ملت تمام ماه شعبان را گردهمائی و کنفرانسهای مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است ... جشن‌های روز جهانی کودک را دیدی، چه کارهایی، چه بودجه‌ای؟! اما به عین الله که می‌رسیم چشمانمان را می‌بندیم، یا وقت نداریم یا بودجه ...!! در برابر تهاجم علیه مهدویت چه کرده‌ایم؟! (... فزاهایی از نوشتار)

۲ - «چشم خدا» می‌بیند

اگر دیده باشید قلعه‌ها و دژها دیده‌بان دارد، دیده‌بان اخبار بیرون را کسب می‌کند، و به درون دژ و خودی‌ها خبر می‌دهد، به ویژه اگر خطری پیش بیاید، نقش او مانند عین (چشم) است که مُخبر اخبار و خطرها به مغز است. امام رضا علیه السلام از قول اجداد خود (علیهم السلام) و از قول خداوند متعال، دین را به قلعه و دژی استوار تشبیه فرموده است. (۳۷) این قلعه و دژ برای چیست و به چه کار می‌آید؟ یکی از جوانان خوبمان سؤال می‌کرد که آیا دین، ساخته‌ی ذهن بشر است؟ گفتم: این سخن ممکن است برای آن‌ها که مجسمه‌ی تبلیغات غربی‌ها و مقلد بیگانه هستند، قابل قبول باشد؛ چون در مسیری سیر می‌کنند که هر حقیقتی را وارونه می‌بینند. ولی نزد آن‌ها که تبلیغات پوچ غرب و اروپا فریبشان نداده و با دین، بیگانه نیستند این مطلب مردود است. دین، ساخته‌ی بشر نیست؛ بلکه بشر ساخته‌ی دین است. آن‌گاه که بشر به ندای فطرت و عقل خود توجه کند و به اوامر پیشوایان نور گوش جان بسپارد، ساخته می‌شود و صفات انسانی در وجود او شکفته می‌گردد و به کمال و رستگاری دست می‌یابد. این عامل کمال و رستگاری، همان «دین» است که خداوند متعال برای حفظ آن دیده‌بان و «عین» قرار داده است. دیده‌بان خطر را می‌بیند و به اهل دین خبر می‌دهد. حال دو مطلب را دوستانه بررسی می‌کنیم: ۱. بدیهی است که دیده‌بان باید ببیند؛ یعنی نباید کور باشد. باید مفسد و خطرات عقیدتی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، سیاسی و ... را بشناسد و درک کند. اگر سارق را نبیند، اگر دشمن را نشناسد ...، « کوری بین عصا کش کور دگر شده »؛ این چه دیده‌بانی است؟! در یکی از مجلاتی که مطالعه می‌کردم، به مطلب عجیبی برخوردم؛ نوشته بود «امام زمان باید تجربه بیندوزد»!! آقای نویسنده! امام زمان تجربی چه کاری از پیش می‌برد؟ آن هم امام زمانی که صدها سال تجربه آموخته و هنوز هم محتاج تجربه است!!! آیا ائمه‌ی قبل از امام زمان (عج) علم و آگاهی‌شان تجربی

بوده است یا خدایی؟ اگر امام، به مدرسه و درس محتاج است، چه کسی استاد اوست؟ و اگر استادی داشته باشد، پس استاد باید امام باشد؛ چرا که استاد، اعلم از شاگرد است. به نظر شما چرا این مطالب در مجلات دینی به چشم می‌خورد؟ آیا نویسندگان این مقالات جاهل اند یا عالم منحرف؟ و چرا اجازه‌ی چاپ این مطالب از طرف مسئولین صادر می‌شود؟ باید بدانیم که منبع و منشأ علم امام، خداوند متعال است. دیده‌بانِ قلعه و دژ دین محتاج کسب تجربه و یا علم‌آموزی از مردم نیست، بلکه تنها نیازمند علم‌علیم بالذات است. (۲) دیده‌بان باید صادق و امین باشد. داستان چوپان دروغگو را حتماً شنیده‌اید، چوپان دروغگو نمی‌تواند حافظ و نگهبان باشد؛ نمی‌تواند قلعه و دژ را نگهداری کند. این جاست که باید گفت: خوشا به حال شیعیان، که اولاً معتقد به علم امامان (علیهم السلام) هستند و ثانیاً معتقد به عصمت و پاکی آنان. شیعه معتقد است ائمه (علیهم السلام) که دیده‌بان دژ اسلامند، هم علم الهی دارند و هم عصمت الهی. ممکن است کسی بگوید: شیعه به چه دلیل این اعتقاد را دارد؟ در جواب می‌گوییم: به دلیلی که شرح آن گذشت (دلایل عقلی) و ادله‌ی دیگر (دلایل نقلی) که در کتب کلامی و متون اعتقادی بحث آن به خوبی آمده است. آیات قرآن و روایات بی‌شمار بر علم امام و عصمت او دلالت دارد. مطلب دیگری که باید بررسی شود، شناخت دیده‌بان واقعی دژ است. ممکن است کسانی به دروغ خود را دیده‌بان معرفی کنند، ولی مفساد و خطرات را کتمان کرده و نگویند و خود شریک دزد باشند و رفیق قافله؛ و چه بسا سارقین را به دژ راه داده و شرایط را برای بر باد دادن بنیاد قلعه آماده سازند. این جاست که لزوم بحث امام‌شناسی مطرح می‌شود، ائمه باید در حد خود، عین بصیر و نافذ و اندیشه‌ی صحیح و روشن داشته باشد تا «عین الله واقعی» را بشناسد. حدیث نبوی «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۳۸) که در کتب شیعه و عامه آمده است، وظیفه‌ی ما را در «معرفت الحقیقه» معلوم نموده است. کسانی که به دنبال این امر مهم و معنوی نیستند، چه جوابی برای «یوم الدین آماده کرده‌اند؟ سفارش‌های «قرآن و عترت» نسبت به علم‌آموزی و کسب دانش، سفارش به کسب دانستنی‌های تجربی و ریاضی نیست؛ اگر چه این علوم و دانستنی‌ها بسیار خوب و در واقع، فضل است، امّا علم مطلوب و ذوالمقدمه، معرفت نسبت به «عین الله» و شناخت دیده‌بان قلعه و دژ اسلام است. البته تصوّر نشود که دانستنی‌های تجربی، ریاضی و دانش دانشگاهی مردود اسلام است، هرگز! اگر خوب بررسی کنید می‌بینید که مؤسّس این علوم هم، رهبران اسلامی و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) هستند. «پروفسور مونتگمری وات» (استاد عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان) در کتاب «تأثیر اسلام در اروپا» چنین می‌نویسد: «ما اروپائی‌ها مدیون بودن فرهنگمان را به اسلام نادیده می‌گیریم. ما اغلب اوقات، گستره و اهمیت تأثیر اسلام را بر میراث فرهنگی مان دست کم می‌گیریم و بعضی اوقات حتی از آن به کلی چشم پوشی می‌کنیم. امروزه بر ما اروپاییان غربی است که برداشت غلط خود را اصلاح کنیم و بر دینمان نسبت به جهان اسلام و عرب اعتراف نماییم.» (۳۹) چه کسی می‌تواند دانش اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) را انکار نماید؟ امام صادق علیه السلام با تربیت چهارهزار شاگرد در رشته‌ها و علوم مختلف دینی و فنون گوناگون در بین اندیشمندان و محققان بزرگ جهان، مشهور و معروف است و چونان ستاره‌ای می‌درخشد. مطلب مورد نظر ما در این جا آن است که کسب معرفت حجت خدا، وظیفه‌ی بزرگی است که اگر به آن عمل نکنی، از جمیع خیرات و معارف بازمی‌مانی و به فریب دزدان راه مبتلا می‌گرددی. صادق و کاذب را باید شناخت و به ولایت صادق و رهبری دیده‌بان و عین راستین، دل بست. اگر عین الله و دیده‌بان خبیر و صادق را نشناسی و به نگهبان سارق و ستم پیشه دل بسپری، نه دنیایت آباد می‌گردد و نه می‌توانی آخرتی همراه با نورانیت داشته باشی. دیدی بنی امیه و بنی عباس و حکام جور قبلی، کسب دانش را مانع شدند و احادیث را دفن کردند؟ «محمّد رشید رضا» صاحب «المنار» می‌نویسد: «این مسأله (منع نقل و نوشتن حدیث بر فرهنگی اسلامی ضربه‌ی بزرگی زده که به طور طبیعی جبران‌ناپذیر می‌باشد». (۴۰) و او یلا! چه بگوییم؟ برای فریب انسان‌ها و کسب به ناحق قدرت‌ها عین الله واقعی و دیده‌بان حقیقی را سارق، و سارق را نگهبان و پاسدار معرفی کردند. از یکی از بزرگان اهل شام سؤال شد «ابوتراب» کیست که او را لعن می‌کنید؟ پاسخ داد: فکر می‌کنم یک سارق فتنه‌گر باشد!!! (۴۱)

یا علی! «یا عین الله الناظره و یدة الباسطة و اذنه الواعية!» (۴۲) قربانت گردم، فدایت شوم، ای اول مظلوم! ظلمی که بر تو روا داشتند، در حق فرزندان مهدی علیه السلام هم روا می‌دارند. پس باید عین الله را شناخت چشم خدا تا کجا را می‌بیند؟ {فَسِيرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ}. (۴۳) آیا حرف‌های روشن فکر نماها را بزینم یا سخن خدا را شنوا باشیم؟ آنها می‌گویند: امام نابغه است، استعدادش زیاد است، حافظه‌ی خوبی دارد. ما می‌گوییم: این طرز تفکر از امام‌شناسی شیعه، که قرآنی است دور است. امام، استاد، معلّم و بزرگ نوابغ است. خوش استعدادان و حافظه‌داران عالم، نظر شده‌ی امامند. امام عین الله است چشم خدا! خوب فکر کن! می‌گویم امام «عین الله» است، چشم خدا. مثلاً آیا امام حسین علیه السلام وقایع کربلا را نمی‌دانست؟ اسرار را نمی‌دید؟ از شهادت با خیر نبود؟ البتّه که می‌دانست و می‌دید؛ «عین الله» کور نیست، اما گاهی این آگاهی را بروز نمی‌دهد و برای مصلحت و یا مصالحی، مطلب را آشکار نمی‌فرماید. این مطالب ابتدائیات مدرسه‌ی شیعه است، ولی بعضی نویسندگان و یا گویندگان غافل‌اند و یا خود را به غفلت می‌زنند. علامه‌ی بزرگوار مرحوم آقای محمدتقی جعفری (ره) می‌فرماید: «علم ماورای طبیعی و تصرف خلاف روش طبیعی در حقوق و مقررات تثبیت شده که از بنده یا مانند خضر بروز کرده است، اثبات کننده‌ی همین مزیت است که پیشوایان الهی و اولیاء الله دارا می‌باشند. انکار این حقیقت، یا از عدم اطلاع ناشی می‌شود و یا از مقایسه‌ی کار پاکان با مردم معمولی، که از حیات چیزی جز خور و خواب و خشم و شهوت بهره‌برداری نکرده‌اند. افرادی که به جهت تخلّق به اخلاق الله دارای علم ماورای طبیعی و تصرف در طبیعتند، به قدری فراوانند که جایی برای بحث و تردید نمی‌گذارد. در صورتی که بنا به اصول مسلمة‌ی اسلامی، مخصوصاً عالم تشیع، مقام امام علیه السلام خیلی بالاتر از اولیاء الله معمولی است.» (۴۴) برتری نور حق در چیستی؟ علم غیب رب به نزد کیستی؟ حق مگر قادر نباشد ای فضول! علم را اعطا نماید بر فحول؟ بانی کعبه چرا ذابح شده؟ در مسیر عشق حق فاتح شده ذابح و مذبوح هر دو حجتند در مسیر دین حق در نصرتند تهلکه که اینجا بود یا فوز رب؟ معرفت دریاب، فاقد از ادب! تهلکه، بی عشق مولا- بودن است بی ولا- در فکر عقبا بودن است (۴۵) از توفیق شرکت در رکاب محمّد و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) باز ماندیم و از حضور در مدرس علی دوم علیه السلام و دو امام دانش و بینش امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) تا امام عسکری علیه السلام دور افتادیم. یک کلاس برایمان باقی مانده است آن، کدام کلاس است؟ کلاس انتظار... ولی تو بگو انتظار بدون معرفت «عین الله» چه انتظاری است؟ انتظار، عبادت است اما باید بدانیم منتظر چه کسی هستیم و وقتی او بیاید چه می‌شود؟ او چه می‌خواهد؟ او چه می‌کند؟ «أُذُنٌ سَامِعَةٌ» (۴۶) او که هم‌بیناست و هم شنوا... به بینایی و شنوایی خداوند اشک ما را در فراقش می‌بیند و «لَيْتَ شِعْرِي» ما را در جمعه‌های غمبار می‌شنود. جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام «أَذُنٌ وَاعِيَةٌ» بود و او «أُذُنٌ سَامِعَةٌ». هم شنوای امر خداوند است و هم سامع گدایی مأموم. حسین شناسان چرا مهدی‌شناسی را دنبال نمی‌کنند مگر عاشورا با انتظار، بی ارتباط است؟ چرا دهه‌ی عاشورا و دهه‌ی فاطمیة داریم، اما دهه‌ی مهدویة نداریم؟! اگر دولت و ملت تمامی ماه شعبان را گردهمایی و کنفرانس‌های مهدی‌شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است. جشن‌های روز جهانی کودک را دیدی؟ چه کارهایی، چه بودجه‌ای؟! اما به «عین الله» که می‌رسیم چشمانمان را می‌بندیم؛ یا وقت نداریم و یا بودجه! ولی واقعیت این است که از عشق عین الله بی‌خبریم و بعضاً وظیفه‌شناس نیستیم. در برابر تهاجم علیه «مهدویّت» چه کرده‌ایم و چه می‌کنیم؟ البتّه خادمان مخلصی در صحنه هستند که کمی از زیاد وظیفه‌ها را انجام داده و با برپایی مجالس، نشر نشریه‌ها و آثار صوتی و تصویری و یا از طریق فعالیت در سایت‌های اینترنتی و... تلاش دارند. ولی آیا همه‌ی عاشوراییان به لزوم تشکیل یک دهه همایش امام‌شناسی، حداقل در ایام ولادت عین الله (حضرت ولی عصر (عج)) توجه کامل دارند؟ عاشوراییان اگر به ده‌ها روایت در باب خصایص و سیره‌ی امام حسین و امام زمان علیه السلام توجه نمایند و اگر به شعار یاوران امام زمان علیه السلام (یا الثارات الحسین علیه السلام) دقت کنند و در پیوند فرهنگ عاشورا با انتظار در زیارات و اعمال شب نیمه‌ی شعبان اندیشه نمایند، تلاشی همانند دهه‌ی عاشورا، در بزرگداشت دهه‌ی مهدویة خواهند کرد. اینجانب پیشنهادهایی را حدود دوازده سال قبل در بزرگداشت دهه‌ی

مهدویّه، تشکیل مدرسه و کتابخانه تخصصی در موضوع مهدویت و مبارزه با تهاجم مخالفان، حضور بزرگان فقها ارائه دادم، و به عنایت خداوند متعال به تأسیس مرکزی جامع و مدرسی نافع پرداختم. از جمله فعالیت‌های این مرکز تشکیل جشن‌های دهه‌ی مهدویّه می‌باشد که به صورت مجالس بزرگ، کنفرانس‌ها و همایش‌های تخصصی، با حضور محققان داخلی و خارجی برگزار می‌گردد. یک وظیفه‌ی بزرگ اولاً، برای شناخت و شناساندن معارف مهدوی به کتاب و وسایل دیگر برای مطالعه و تحقیق نیاز است. این وسایل چرا باید فقط در قم و تهران متمرکز باشد مگر شهرهای دیگر نباید امام زمان خویش را بشناسند؟ مهدویون شهرهای دور و نزدیک، داخل و خارج باید با ارشاد مؤسسات تخصصی مهدوی و با یاری اهل خیر، کتابخانه‌های تخصصی در ارتباط با معارف امام زمان (عج) تأسیس نمایند، و نسل جوان را به مطالعه و بهره‌برداری از سایت‌ها، سی‌دی‌های آموزنده و کتب سازنده سوق دهند. بحمدالله این مقصد از طرف مرکز تخصصی حضرت ولی عصر (عج) اصفهان دنبال شده و بحول الله و قوته، قصد داریم ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصصی با موضوع مهدویت، در داخل و خارج تأسیس نماییم که بعضی از این شعب در داخل و خارج کشور تأسیس شده است. ثانیاً، برای تأسیس کتابخانه و یا چاپ و نشر کتاب و مجله به ناظران خیر و متخصصین نیاز است؛ و الا چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم که به جایی دیگر رفته‌ایم. مثلاً کتاب یا مجله‌ای بدون توجه، چاپ و منتشر می‌شود که ممکن است مبلغ مخالفین مهدویّت و انتظار گردد و یا عاملی نفوذی، مقاله‌ای بر خلاف معتقدات شیعه و امام زمانی‌ها در مجله یا کتابی چاپ نماید. بی ادبی نسبت به بزرگان دین و تبلیغ غربی‌ها و مستشرقین، راه دادن به مخالفین ولایت ائمه (علیهم السلام) و مرجعیت شیعه، اختلاف و دودستگی بین مهدویون و مؤسسات مهدوی هیأت‌های نده‌ای و برگزار کنندگان دهه‌ی فرخنده‌ی مهدویّه، خطراتی است که در پیش روی ما قرار دارد. چنانچه این حرکت تبلیغی مهدوی- یعنی تأسیس ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصصی پیرامون حضرت ولی عصر (عج) - از طرف همه‌ی مؤسسات تخصصی مهدوی دنبال شود و مهدویون و هیأت‌های مذهبی در تهران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ... هر کدام ۳۱۳ کتابخانه‌ی امام زمانی تأسیس نمایند و با حدود دو هزار عنوان کتاب تخصصی و سازنده‌ی مهدوی، مساجد و حسینیه‌ها مدارس و دانشگاه‌ها را نورافشانی کنند دیگر «بابی» و «بهایی» چه می‌تواند بکند. مهم این است که ما به نسل جوانان غذای فکری و معنوی سالم برسانیم و راه‌های سوء استفاده‌ی دشمنان را مسدود سازیم. البته در تأسیس کتابخانه‌های مذکور، هماهنگی و همفکری مؤسسات تخصصی مهدوی بسیار مطلوب است. اگر هر کدام از این ۳۱۳ کتابخانه یک جوان متقی و ولایی بسازد، شما ۳۱۳ سرباز برای فرماندهان خاص حضرت ساخته‌اید و این کار کوچک و کمی نیست. مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه (علیهم السلام) چند نفر را ساختند؟ عدد، کم بود؛ اما ارزش زیاد: سلمان محمدی الگوی خوبان جهان؛ اباذر استاد أحرار عالم؛ عباس بن علی (علیهما السلام)، سرور و مراد مجاهدان راه خدا؛ حبيب بن مظاهر نمونه رشادت و شجاعت. ما نباید از قَلت یار نگران باشیم. تبسم نگار و دعای دلدار، حضرت ولّی عصر (عج) ما را بس! خداوند به پیامبر خویش می‌فرماید: {حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ آتَبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ}. (۴۷) مهم این است که به وظایفمان در زمان غیبت عمل کنیم و بدانیم «چشم خدا» ما را می‌بیند و حتی از خطورات قلبیه‌ی ما باخبر است. نباید یأس در فکر ما راه پیدا کند. باید بدانیم زمینه برای تبلیغ فراهم است. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند دنیا را به تشیع و راه امام زمان (عج) متوجه سازند. شما می‌توانید با یک کتاب «المراجعات» یا «الغدیر» و یا کتاب‌های فارسی مانند «شب‌های پشاور» و «آن‌گاه هدایت شدم» و هایتون غیر مُعاند را به تشیع نزدیک نمایید. با یک کتاب «منتخب الأثر» یا کتب فارسی در ردّ بابت و بهائیت مانند کتاب «نصیحت به فریب خوردگان باب و بهاء» (ترجمه‌ی نصایح الهدی الی من کان مسلماً فصار بابیاً می‌توانید هادی راه گمشدگان باشید. مردم به فطرت خداپرستی و حق خواهی خلق شده‌اند. {فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا}. (۴۸) اگر ما بتوانیم حق را خوب تبلیغ کنیم، یعنی اولاً بدون هوا و هوس و ثانیاً به زبان روز، کسی از حق فرار نمی‌کند، مگر این که لجوج و عنود باشد. جوانان، حق خواه هستند؛ جوان، زیبایی را دوست می‌دارد. اگر شما زیبایی‌های دین را به او نشان دهید، زیبایی‌های امام زمان (عج) را برای او بیان کنید، چه دلیلی دارد او از دین و امام زمان (عج)

فرار کند؟ خانمی مسیحی از آلمان (۴۹) به مرکز تخصصی حضرت ولی عصر علیه السلام اصفهان آمد و مسلمان گردید. گفتیم: چرا اسلام را اختیار کردی؟ گفت آیا شما زیبایی را دوست ندارید؟ گفتیم البته. گفت اسلام زیباست و من آن را دوست دارم! در خاتمه عرض می‌کنم این جانب دست همه‌ی بزرگان را می‌بوسم و از آنها در راه مقدس خدمات مهدوی، ارشاد و راهنمایی می‌طلبم. و نیز دست هیئتی‌ها، ندبه‌ای‌ها، برگزارکنندگان جشن‌های دهه‌ی مبارکه‌ی مهدویّه و شاعران و مادحین را می‌بوسم و از آنها برای تأسیس کتابخانه‌های مذکور و ترویج اندیشه‌ی مهدوی و تبلیغ فکر انتظار و به دست آوردن رضایت یار، یاری می‌طلبم. درخواست دیگرم این است هر کجا این نوشته را خواندید، در ختامش از جان و دل بگویید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، و پس از آن عرض کنید «اللَّهُمَّ عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ». (۵۰) باب محبت تو را به بسمله باز کنم به نام جاودانه‌ات سخن سرآغاز کنم اصل «متم نوره وجود اطهرت بود برای که، برای چه، این سند ابراز کنم؟ وجه خدا تویی و بس، بگو کجاست خانه‌ات مدد کنی اگر مرا، میل به پرواز کنم ربیع مردمان تویی، نشاط روزگار ما! قلوب خستگان ره، به عشق تو ساز کنم دلم گرفته و خرد، خموش بین قافله به نام نامی‌ات شها، علاج صد آز کنم سفره‌ی شاهانه‌ی تو نصیب خلق عالمین برای جمع عاشقان، سخن به آواز کنم گر مددی ز یمن تو، رسد به جان خسته‌ام به مثل روز عاشقان، کار دو سرباز کنم شکوه انتظار من! فتح و ظفر به دست توست خانه‌ی دل برویم و سرای دل باز کنم گر فکنی به جان من، مودت الهی‌ات سر بدهم به راه تو، سلام جانباز کنم گر به مهار نفس خود، عنایتی شود مرا هوی برم، هوا پر، اوج دوصد باز کنم در این تهاجم عدو، توستم به کوی توست صبر نمایم و از آن، جلوه‌ی ممتاز کنم تلاش بی ولایت، نماز بی وضو بود روی دلم به عشق حق، یاد تو آغاز کنم نام تو و مسیر تو، به دل قرار می‌دهد قرار دل! بیا برم، به عشق تو راز کنم گر نظرم به روی تو، فتد آیا حبیب من! اگر چه «کوچک» ام ولی به عرشیان نظر کنم (۵۱)

۳- مهدویت و اطلاع رسانی

اشاره

... ما باید اطلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست ... آیا در فکر فیلم و سریال بوده که صفا و صلح، وفا و جود امام مهدی علیه السلام را نشان دهیم ... آیا اطلاع رسانی از کار و راه دشمن، دسیسه‌ها و جعل‌ها و مکرها، وهابیت فرزند استعمار، باییت و بهائیت دست نشانده حکومت‌های طاغوتی داشته‌ایم؟! (فرازهایی از نوشتار)

مهدویت و اطلاع رسانی

بشر می‌خواهد به سوی کمال و فلاح حرکت کند، و هرگز قاصد راه انحطاط و بدبختی نمی‌باشد. مدینه‌ی فاضله در فلسفه‌ی افلاطون قبل از میلاد، پیروزی اهورامزدا بر اهریمن در تفکر زردشتیان، تعابیر تورات و انجیل در مورد آینده‌ی جهان و دیدگاه مثبت هندوئیسم در موضوع فردای عالم، و حتی نگاه ماتریالیست‌ها و ملحدین، پیرامون اصلاحات امر مالکیت و تشکیل خانواده‌ی واحد، بیان کننده‌ی این معناست که بشر به آینده‌ی خود، خوش بین است و برای به دست آوردن سعادت تلاش می‌کند. آن چه مورد بحث و گفت و گوست و با اختلاف آرا رو به رو گشته بحث اصل فلاح و رستگاری است که در کدام مکتب و راه و روش یافت می‌شود؟ و آینده‌ی جهان با حاکمیت کدام حاکم و کدام قانون، اداره می‌گردد؟ اعتقاد ما این است که اسلام دین کامل و کامل‌ترین ادیان و باعث فلاح و رستگاری بشر می‌باشد. بر اثر مطالعه در قوانین اسلام و مقایسه‌ی آن با قوانین ادیان و مذاهب دیگر، هر محقق منصفی می‌تواند به این نتیجه برسد. ما حق نداریم عقیده‌ی خودمان را به هیچ کس تحمیل کنیم، (۵۲) اما حق داریم به همه‌ی مردم دنیا و محققان عالم، پیشنهاد تحقیق داده، و آنها را در این مسیر یاری رسانیم. اطلاع رسانی در موضوع اسلام

معرفت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام)، یک واجب دینی و زکات علم محسوب می‌گردد. (۵۳) امر به معروف و نهی از منکر، به اطلاع رسانی پیرامون خیرات و خوبی‌ها و شرور و بدی‌ها نیازمند است. اولین مطلب که باید به اطلاع همه‌ی مردم دنیا برسد این است که «فلاح و رستگاری» را می‌توانید در «مکتب اسلام» پیدا کنید. یکی از پایه‌های مهم خوشبختی علم و دانش است؛ یعنی آگاهی از خود و موجودات دیگر. ببینید دستور علم‌آموزی و فراگیری دانش، در کدامین مکتب آمده است. اسلام پیشنهاد علم‌آموزی نمی‌دهد، اما فرمان می‌دهد علم بیاموزید و دانش کسب کنید. (۵۴) اسلام افراد بی فکر و بی دانش را توییح و سرزنش می‌نماید. آقا و خانم محقق! به هر دین و مذهبی که بدان مؤمن هستی، روی آیات قرآن مجید و دستورات اسلام فکر کن و بدون تعصب، بین این مطلب درست است یا نه. البته ما نباید اعمال بعضی از مسلمان‌ها و خلفا و سلاطین را در مخالفت با علم آموزی و کسب دانش، ملاک قرار دهیم و به این دین مقدس بدبین باشیم. باید به مردم دنیا بگویم آیین‌های اسلام نمایی، «علی علیه السلام» است. ببینید علمش را، با این که زمان به او اجازه نداد علمش را آشکار کند، اما در همه‌ی علوم، مبدأ و منبع بوده است. مکتب امیرالمؤمنین علی علیه السلام مکتب خودشناسی، جامعه‌شناسی، طبیعت‌شناسی، تاریخ‌شناسی و در نتیجه، خداشناسی است. مکتب امام مهدی علیه السلام هم همین‌طور است. «فَأَنَّهُمْ عِشُّ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ». (۵۵) خاندان پیامبر مانند خود آن بزرگوار، مروج علم و دانش و دشمن جهل و نادانی بوده و هستند. چرا مکتب انتظار، فلاح‌آور و باعث خوشبختی است؟ چون امامش عالم، و مأمومش دانش‌پژوه و طالب علم است. در مکتب انتظار، علم آموزی ممنوع نیست، تحقیق و بررسی مردود نیست، بلکه بر خلاف روش سران حکومت‌های استعمار و سیاست‌های شیطانی، یک امر واجب است. یکی دیگر از پایه‌های مهم خوشبختی، عمل به خوبی‌هاست؛ عمل طبق علم واقعی نه عمل به القانات شیطانی و دستورالعملهای استعماری. اول عالم بشو خودشناسی را پی‌گیری کن بعد جهان‌شناسی و سپس خداشناسی را دنبال کن و بعد به عمل پرداز. ببینید دستورالعمل به خوبی‌ها چه خوب در اسلام آمده است. آقا و خانم محقق خودش بیاید مطالعه کند؛ هم علم اسلام را و هم عمل اسلام را. وقتی خوب بررسی کرد، می‌فهمد اخلاق خوب، اعمال خوب، در اسلام وجود دارد. البته اسلامی که آیین‌هاش، اصحاب خوب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بالاتر از آنان عترت (علیهم السلام) هستند. امروز امام مهدی علیه السلام که وارث عترت (علیهم السلام) است، عملش مثل علم او بهترین و برترین عمل‌هاست. لذا از ما تقوا می‌خواهد خوبی می‌خواهد، سفارش امام مهدی علیه السلام به همه‌ی انسان‌ها علم‌آموزی و عمل به سجایای انسانی و دوری از ظلم و ستم می‌باشد. ما باید به متدینان ادیان مختلف و به اهل سنت اطلاع رسانی کنیم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم، همان «پرکلیوس» (۵۶) (Perikleos) به معنای بسیار ستوده می‌باشد که به خاطر علم و عملش در بین انبیا و رسل و میان اولیا، بدین نام معروف و مشهور است. هم چنین کلام خداوند در کتب قبل و صحف سماویه، مدحش را به خوبی بیان می‌دارد: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (۵۷) و امروز وصی او، امام مهدی (عج)، با همه‌ی بزرگی او به غیر از سمت نبوت و رسالت در میان اولیای الهی و سفیران ربّانی بسیار ستوده است. رمز این که نام امام مهدی (عج) «م. ح. م. د» (۵۸) است چیست؟ تا به حال به این مطلب برخورد کرده‌اید؟ هم نام پیامبر اسلام، همان که قبلاً گفتیم، «محمد»، «بسیار ستوده»، «پرکلیوس Perikleos ...» چرا؟ ... این یک اتفاق نیست، یک کار بدون فکر ... بدون دلیل ... اسم امام مهدی علیه السلام را اسم پیامبر قرار داده‌اند البته می‌دانید که القاب و کنیه‌های امام مهدی علیه السلام فراوان است، و یک اطلاع رسانی وسیع و عمیق برای همگان می‌طلبد. ولی سخن ما در این جا بر سر اسم آن حضرت است، چرا اسم او «م. ح. م. د» است «بسیار ستوده یعنی چه؟ چرا ستوده است، چه کسی او را مدح می‌کند برای چه؟ ۱. برای علمش؛ که فوق همه‌ی علم‌هاست، خداوند علم او را ستوده است. «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (۵۹) امروز، اوست. امام مهدی علیه السلام، علم و دانش به تکوین و جهان‌آفرینش دارد و از ذره تا کهکشان، کوچک و بزرگ عالم، بڑی و بحری، آسمانی و زمینی را می‌بیند و می‌داند. «تالی کتاب تشریح» است، «تَرْجُمَانِ كِتَابِ اللَّهِ» (۶۰) است، قرآن ناطق، عالم به حقایق و دانا به دقایق می‌باشد. ۲. برای علمش؛ امام مهدی علیه السلام

بهترین عامل به قانون خداوند است، عبادتش فوق عبادت‌هاست، صبرش فوق همه‌ی صبرهاست، تو بین چندین قرن است منتظر فرمان خداوند است تا عدل را بیاورد و تاریکی را برطرف سازد. این کار چه مقدار صبر می‌خواهد؟ و تا ظهور، پیش نیاید و مردم، علمش را نبینند، و عملش را درک نکنند، تا زیبایی‌های او آشکار نشود و شیرینی علم و عمل، حکم و عبرت، حکومت و ولایت، سجایای اخلاقی و عرفانی وی برای لایقان ظاهر نگردد، هیچ کس نمی‌تواند معنی «بسیار ستوده» و حتی «ستوده» را درک نماید. پس حالا بگویید: یا مهدی! یا صاحب الزمان! اسم نبرید، در «ستوده» و «بسیار ستوده» می‌مانید، نمی‌توانید درک کنید. ولی ظهور که آمد، پرده کنار می‌رود و مثل آشکار شدن تسیح، خداوند متعال برای اهل کمال، مدح عالی و دانی را می‌فهمی؛ غزل خوانی موجودات تمجید جمادات و نباتات و حیوانات. (۶۱) چه می‌گویی؟! «ستوده» را بزرگان عالم مدح می‌کنند، حتی «عیسی» به وزارتش قیام می‌کند (۶۲) و {تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ} (۶۳) که فرمائش را استماع و با فوریت، مُجری می‌باشند. ما باید اطلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست مگر خودمان ظهور را دیده‌ایم؟ نه، اما از صادق مصدق به ما رسیده است، از قرآن، از حدیث معتبر فریقین. دشمنان، ظهور را بد جلوه می‌دهند، انتقام! خون! خون ریزی! ما چه کرده‌ایم و چه گفته‌ایم؟ آیا در فکر ساختن فیلم و سریال بوده‌ایم که: صفا و صلح وفا و جود امام مهدی (عج) را نشان دهیم؟ نه از خودمان، بلکه از قرآن، از اخبار، از تاریخ، از تشریفات حقیقی. از این انقلاب ۲۵ سال گذشته است، نه دشمن به ما فرصت داده و نه از فرصت کمی که داشته‌ایم استفاده کرده‌ایم؟! در زمان کسب اطلاعات و عصر اطلاع رسانی کوفه و سهله که مفرج اولیا و مفرج ستم‌دیدگان بود، لگدمال کفر بعث و ستم غرب و تجاوز اروپا گردید؛ ولی جمکران چه؟! ... آری ... در پایگاه بزرگ شیعه، پایگاه بزرگ مهدویون، تغذیه‌ی دنیا، دانشگاه‌ها، تشنگان خارجی و داخلی ... آیا اطلاع رسانی کردیم که امام ما حاکم جانی مستبد، قاتل سلطان بی‌رحم و دیکتاتور نیست، و مظهر {يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ} (۶۴) می‌باشد؟ اگر مدح حضور و ظهور را، اگر جود و کرم مظهر کریم و جواد را، اگر مهربانی و رأفت نماینده‌ی رحمان و رحیم را، اگر رحم و دلسوزی ذخیره‌ی خداوند را، اگر اخلاق وارث محمد و احمد، نماینده‌ی فارقلیطا (۶۵) (paraglita) و پرکلیوس «perikleos» و امیر عیسی و سلطان خوبان را به خوبی با سند معتبر، بیان داریم و عطر «معرفة الحقیقه» را با وسایل ارتباط جمعی به مشام مردم دنیا برسانیم، چه می‌شود؟! کار دشمن، زار شده و دنیا میدان کارزار می‌گردد، مردم می‌گویند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ»؛ همه می‌گویند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ» و این است که استعمارگران می‌خواهند از ظهور جلوگیری کنند. همین الآن با این که ما در اطلاع رسانی سست هستیم دشمن یک مطالبی را فهمیده، کوفه را می‌زند مسجد سهله را خراب می‌کند، سامرا را مورد حمله قرار می‌دهد و گاهی از «مهدی» و جای او سؤال می‌کند. در مورد گمشده‌ی انسان که «فلاح و خوشبختی» است، زمینه‌ی اطلاع رسانی در مردم جهان فراوان است. اما اطلاع رسان لایق با نیت صادق کم است. شما مستبصرین را ببینید، (۶۶) وقتی با آن‌ها سخن می‌گویی و از اسلام آوردن آن‌ها یا شیعه شدن آن‌ها می‌پرسی، خیلی ساده می‌گویند: (مثلاً) یک کتاب از شهید مطهری خوانده‌ام، یا یک کتاب از علامه امینی (ره)، یا یک کتاب از سلطان الواعظین (ره). این چه تشنگی است از کجا مردم دنیا این اندازه تشنه شده‌اند، از همه‌ی ملل، از غرب از اروپا از افریقا و غیره، چه شده است؟! ... چه عامل و عواملی مردم دنیا را تشنه حقیقت کرده است؟ مردم دنیا دیدند صلح‌خواهی دروغین حکومت‌های غربی و اروپایی را. مشاهده کردند پاپ و اسقف‌ها چه مقدار به حق ستم‌دیدگان، بدون اعتنائند. دانش‌پژوهان، مخالفت علمای ادیان با علم و دانش را مشاهده نمودند. علما و دانشجویان سنی در کتب حدیث و تاریخ، منع حدیث و دفن علم و ستم به بیت علم و عمل را نظاره کردند. به کجا پناه ببرند؟ در گذشته، سرخوردگان از ادیان و مذاهب منحرف و محرّف، به ماتریالیسم و الحاد پناه می‌آوردند. ولی در این زمان با این همه سستی ما در اطلاع رسانی، نشر بعضی از آثار بزرگان در معرفی اسلام و تشیع و ارتباط حوزویان و دانشگاهیان اعم از داخل و خارج، باعث شده است متدینین به ادیان غیراسلامی و مذاهب غیرشیعی به «دانشگاه علوی و مهدوی» پناه آورند و با نوشتن کتاب به زبان‌های مختلف دوستان و هم‌وطنان خود را بیدار نمایند.

اطلاع رسانی عرفانی نمی‌دانم تا به حال فکر کرده‌اید که چرا قبل از بعضی زیارت‌نامه‌ها، گفتن «الله اکبر امر شده است؟ مثلاً قبل از خواندن زیارت جامعه که دانشگاه جامع و بزرگ «معرفت الحجّه» می‌باشد مأموریم صدبار «الله اکبر» (۶۷) بگوییم؛ چرا؟ برای این که به غلو مبتلا نشویم. غلوزدایی، درست است. مکتب ما با افراد غالی مخالفت کرده است. ما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان (علیهم السلام) را خدا نمی‌دانیم، عبد می‌دانیم؛ ولی عبدی که بالاترین رتبه و مقام و جاه را در پیشگاه خداوند دارد. ولی مطلبی را که در مقدمه‌ی «سه رساله درباره‌ی حجّه بن الحسن العسکری علیه السلام» آورده‌ام و شاید مطلب خوبی باشد، این است که ما باید از خداشناسی شروع کنیم، «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ». (۶۸) زائر هم گوید: «الله اکبر الله اکبر»، عظمت و بزرگی خداوند متعال را درس می‌دهد، «الله اکبر» می‌گوید: خداوند متعال، بزرگ‌تر است از اینکه توصیف شود و به وصف آید. مگر امام، خلیفه و ولی «الله اکبر» نیست؟ خدای اکبر باید خلیفه و ولی اش، «اکبر» باشد مگر امام را می‌توان وصف نمود؟ مگر می‌توان گنه عظمتش را شناخت، فقط می‌توان گفت به بزرگی خداوند، بزرگ است. بزرگی او از خداوند است، نماینده و نمایش‌دهنده‌ی قدرت و علم و بزرگی حق تعالی است. پس وقتی خدای متعال را به بزرگی شناختی، ولی و خلیفه‌ی او را هم به بزرگی وصف می‌کنی. عبارات زیارت جامعه یا زیارت مطلقه را تصوّر نمی‌کنی غلو باشد؛ بهانه‌گیری نمی‌کنی، وهابی زده نمی‌شوی، معجزه و شفاعت را شرک نمی‌دانی و رد نمی‌کنی. این اطلاع رسانی عرفانی برای درک معارف شیعه لازم است، برای شناساندن امام زمان (عج) ضرورت دارد. آقا و خانم محقق! ما سخن از یک شخص عادی نمی‌گوییم. در این کتاب در این روزنامه یا فصل‌نامه، در این سایت، سخن از «خلیفه‌الله» و «ولی‌الله» است. امام مهدی (عج) یک عالم و عابد، یک اندیشمند و فیلسوف، یک فقیه و محقق نیست، او عین علم و اندیشه عین بندگی و معرفت و کمال است. مدرّس بزرگ در مدرّس بزرگ هستی. آنچه خوبان همه دارند، او تنها دارد. او خلیفه و ولی خداوند است. پس امام زمان را بشناس؛ نه با آیین‌های سخنان بیگانه. مستشرقین، غربی‌ها و اروپایی‌ها که امام را یک دانشمند و یا نابغه، معرفی می‌کنند و نه با آیین‌های استعمارگران که امام را یک خشونت‌گرا تعریف می‌نمایند. بالای منبرها، حدیث «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۶۹) را برای مردم بیان نمودن، این یک وظیفه است. «هشدار! هشدار! اگر او را نشناسی، مرگت مرگ جاهلیت خواهد بود.» ولی چه منبعی و چه مأخذی برای شناخت در اختیار مردم قرار دادیم؟ شیعه‌ی افریقا نه، که با رنج‌های فراوان بعضی مبلغین دلسوز شیعه شده است؛ شیعه‌ی اروپا و امریکا نه، ... شیعه‌ی ایران خودمان، کتاب می‌خواهد کتابخانه، مدرّس، مشوّق، ولی بعضی از بزرگان ما به «فقه اصغر»، شرح «عروة الوثقی» و «شرایع» و «جواهر» پرداختند، و «فقه اکبر» (۷۰) در تدریسشان نیامد. یک روز هفته «جامعه، جامعه، جامعه» (۷۱) را بخوانند و بدانند و تدریس کنند. «عاشورا، عاشورا، عاشورا» یک متن درسی حوزه باشد. برای ندبه آل یاسین، یک کلاس بزرگ نداشته‌ایم؛ برای همین می‌بینید کفایه خوان ما پاسخ‌گوی شبهات و سوالات نیست. آیا از کار و راه دشمن دسیسه‌ها، جعل‌ها و مکرهای وهابیت فرزند استعمار بابت و بهائیت دست نشانده‌ی حکومت‌های طاغوتی، اطلاع رسانی داشته‌ایم؟ چند مدرسه و دانشگاه عترت‌شناسی، چند کلاس اطلاع رسانی در باب نقشه‌های استعمار، تفرقه افکنی مخالف و سرقت اعتقادات داشته و داریم. پیشنهاد ۳۱۳ تأسیس کتابخانه‌ی تخصصی درباره‌ی امام زمان (عج) را برای بعضی بیان می‌کردم؛ یک دوست که نافهمی‌اش برای مکتب، از تیر دشمن خطرناک‌تر است، گفت با این پیشنهادهای بزرگ مردم را فراری می‌دهید! به نظرم این کارها ضرورت ندارد! گفتم این پیشنهاد، فقط برای یک شهر است. هر شهر و یا هر استان حداقل باید ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصصی درباره‌ی امام زمان (عج) داشته باشد. (۷۲) شما این عدد را برای دنیا بزرگ می‌دانی؟! آقای شیعه! شیعه‌ی متمکن! خیرالحاج! مردم عاشق از این پیشنهادها فرار نمی‌کنند، شما فرار می‌کنید! دولت برای جشن کودکان پول دارد؛ شما برای جشن تولد فرزند و نوه پول دارید؛ سفره‌ها و عقد و عروسی‌های آنچنانی با آن همه خرج و اسراف؛ اما به کارهای فرزند فاطمه حضرت مهدی (عج) که می‌رسیم، مخالفت می‌کنیم ... این پیشنهاد، بزرگ است! این توقع، چنان و چنین است؛ بازار بد است، بودجه نیست وقت نیست و ده‌ها بهانه‌ی دیگر؛ همان بهانه‌های اصحاب بی وفای ائمه‌ی قبل از امام زمان (عج)

به زبان شما تکرار می‌شود. ولی مردم غالباً آماده‌اند؛ به شرط این که به آن‌ها اطلاع رسانی کنیم. حتی مردم غرب و اروپا آماده‌اند به صف مهدویون پیوندند، ولی راه را نمی‌شناسند؛ از مهدی علیه السلام خبر ندارند و سرگردان و حیران مانده‌اند. چه کسی باید کتابخانه تأسیس کند و نشریه‌ی مهدوی نشر دهد؟ در مساجد، حسینیه‌ها دانشگاه‌ها، مراسم دعای ندبه کتابخانه، نوار خانه، سایت، به زبان‌های زنده دنیا. به یقین این کار، کار ماست. اما ما برای خودمان کار می‌کنیم؛ داعی به نفس، یا داعی به سوی امام زمان (عج...؟! تفاوت می‌کند. از کجا و برای که بگویم؟! ... یا مهدی! روحی فداک سید محمود بحر العلوم میردامادی ۷/۴/۱۳۸۳ ادامه دارد...

۴ ... - با که و برای که بگویم!?!

اشاره

برای که بگویم، که از باء بسم الله تا آخر کتاب وحی، آیه‌های فراوانی وصف تو را می‌گوید! آری! تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده‌ای که در اندیشه زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری.

۴ ... - با که و برای که بگویم!?!

با که بگویم؟! با که و برای که بگویم؟! برای که بگویم که از «باء» «بسم الله تا آخر قرآن، آیه‌های فراوانی، وصف تو را می‌گوید؟ (۷۳) تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده‌ای که در اندیشه‌ی زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری! هر چه سخن از عدل و قسط گفته شود، هر کنفرانس و همایشی در موضوع عدالت و شرف انسانی، برگزار گردد، چشم فطرت گویندگان و برگزارکنندگان، به وجود مطهر توست، {فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا} (۷۴) از تو سخن می‌گویند، اما تو را نمی‌شناسند، از خوبی‌هایت، از کمالاتت، اما آدرس تو را ندارند. با که بگویم که «غیب در آیه‌ی {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} (۷۵) تویی، {أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ} (۷۶) به کسانی گفته می‌شود که به تو مؤمن باشند. چگونه می‌توان منکر «غیب» شد روح، عقل، فکر و اندیشه، کجاست؟ آن‌ها را نمی‌بینیم ولی از آثار، پی به آنها می‌بریم. از ساختمان هستی می‌فهمیم خدایی که از دید جسمانی ما «غیب» است حکیمانه، مهندسی این ساختمان بزرگ را نموده است. جهان چون خط و خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست راستی! آیا کسی می‌تواند منکر خدای شود؟ هرگز ماتریالیست دروغ می‌گوید، اصلاً ماتریالیست در کل عالم وجود ندارد. این‌ها قیافه‌ی ملحد و منکر را به خود می‌گیرند. مگر بنای ساختمان را کسی منکر می‌شود ماتریالیست‌های پشیمان زیادند تاریخ آن‌ها خواندنی است، یک بدی از دین‌دارها دیده، عصبانی شده و منکر خدا گشته‌اند؛ بعد به فکر آمده‌اند که مگر می‌شود ساختمان جهان هستی بدون بنا باشد؟! پشیمان شده و از الحاد برگشته‌اند. همان طور، کسی نمی‌تواند منکر پیامبر بشود؛ قرآن را که آورده؟ پیام آور چه کسی بوده است؟ این آثار، این سنت بزرگ، این دانشگاه عظیم ... از اثر، پی به مؤثر می‌بریم و به وجود پیامبر، که او را ندیده‌ایم اقرار می‌نماییم. از آثار عترت، از نهج البلاغه، ادعیه، زیارات بیانات، شاگردان، اصحاب، تاریخشان، دوستی‌ها دشمنی‌ها، به وجود مطهر آنان علم پیدا کرده، نادیده را خریدار می‌شویم. مخالفی از مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام به یک شیعه‌ی بیدار اعتراض کرده که: چه می‌گویند، روز تاسوعا و عاشورا! این همه سر و صدا و شلوغ راه می‌اندازید؟ یک حسینی آمد و کشته شد و تمام شد! شیعه‌ی بیدار در جواب آن مخالف کج گفتار گفت: این که اصل وجود امام حسین علیه السلام و شهادت را قبول داری، به جهت همین سر و صدا و شعارهاست؛ و الا اگر این آثار نمی‌بود، اصل وجود حضرت را منکر می‌شدی و واقعه‌ی عاشورا را رد می‌کردی. و اضافه کرد ما در مورد «غدیر خم» کم کاری کردیم، شما دلالت غدیر را به ضعف کشانیدید

(۷۷) و الحمد لله اصل غدیر، ثابت و آیات و روایات و قراین بزرگ، به دلالت آن دلالت دارند. ای امام! تو به مانند اجدادت صاحب اثر و ثمری، {كَشَجْرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ}. (۷۸) چه بزرگی ای بزرگ! بقای اسلام اثر توست؛ {أَنَا لَهُ لِحَافُظُونَ}. (۷۹) قرآن با آن همه دشمن حفظ شده، نقطه‌ای از آن کم و زیاد نشده، عنایات خاصه‌ی تو نگهبان است. «كُهُوفُ كُتُبِهِ» (۸۰) در کلام علی علیه السلام مربوط به شما هم هست. ای كهف امین و خورشید پرده نشین! اگر عنایات حضرت نبود، ۱۲ قرن نه، ۱۲ روز هم اسلام باقی نمی ماند. مگر دشمن را نمی بینیم؟ مگر از قدرت دشمن بی خبریم؟ مگر از اتحاد سران كفر و الحاد آگاهی نداریم؟ دلخوشیم که دانشگاه بزرگ اسلام تحت اشراف مدیر و مدبری چون تو حفظ و پاسداری می گردد. با که بگویم شجره‌ی بهشتی در قرآن نظر به عظمت تو و آبائت دارد. {لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ} (۸۱) یعنی چه؟ به آدم می گوید تو مقام، مقام محمد و آل محمد (علیهم السلام) نمی شود، تو علی و مهدی (علیهما السلام) نمی شوی. به حواء می گوید تو زهرا علیها السلام نمی شوی! اینجا به متفکران و مصلحان می گویم هر مقدار از بزرگی فکر و اندیشه را دارا باشید و در مورد صلح جهانی، قیام به بیان و قلم و قدم انجام دهید مهدی نیستید و نمی شوید. مهدی علیه السلام هدایت شده‌ی الهی «عَلِمَ مَنْصُوبٌ وَعِلْمٌ مَنْصُوبٌ» (۸۲) است؛ کدام آیه در شأن شما نازل شده که «عَلِمَ مَنْصُوبٌ» باشید و چرا اگر «عِلْمَ مَنْصُوبٌ» اید، مدرسه و دانشگاه رفته‌اید؟ چرا به استاد محتاج بوده و هستید؟! {لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ} با آدم و حواء می گوید: مقام این خانواده استثنایی است. نکند رتبه و جایگاه این‌ها را تمنا کنی! و در واقع به همه‌ی آدمیان می گوید: حساب‌ها را جدا کنید. در مورد اصلاح بشریت بگوئید و بنویسید، اطلاع رسانی کنید مردم را به صلح و صفا عدالت و کرامت دعوت کنید، اما نه بر مبنای فکر خودتان. شما به آن چه واقع است احاطه ندارید، شما مظهر خدای محیط نیستید، {مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ} (۸۳) فرد دیگری است که هم کتاب تکوین را می داند و هم کتاب تشریح را مُدْرَس است. قیاستان صد در صد اشتباه است. مگر علی علیه السلام نفرمود: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ». (۸۴) علامه‌ی روزگار که باشید و سلمان زمان، شاگرد کوچک مدرس علوی و مهدوی هستید؛ تازه، با منّتی که خدای متعال بر شما دارد {لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ} (... ۸۵) منّت این که قبولتان کردند و در مدرسه رسالت و دانشگاه سلاله‌ی نبوت «مَهْدِيّ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (۸۶) نامتان را نوشتند. نه مصلحید نه امام و نه باب امام؛ اشتباه بزرگ را نفس، القا می کند، شیطان بزرگترش می کند یا بالعکس، نفس اژدرهاست ... وای از نفس! وایلاه از شیطان پرستی و شهرت خواهی! استعمار دنبال مصلح‌هایی می گردد که هنوز خودشان را نساخته می‌خواهند جامعه را بسازند، و امروز باید بیشتر از دیروز بترسیم که دچار مسیرهای شیطانی و هابیت، بایت بهائیت و فرقه‌های صوفیه نشویم و «حزب شیطان» را به جای «حزب الله یار نگیریم. با که بگویم؟ با شما! با شما که نور و ظلمت را یکسان گرفته‌اید، بلکه ظلمت را به جای نور تبلیغ می کنید. با شما! با شما که سقیفه را جای {فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرَفَّعَ} (... ۸۷) آدرس می دهید؟ آیا در دعای قرآنی {أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ} (۸۸) سقیفه را منظور دارید یا خانه‌ی عترت را؟ گمان ندارم این قدر با کتاب، تفسیر و تاریخ بیگانه باشید. نکند خود را به بی عقلی زده‌اید! نکند که عمداً کور شده، احادیث را در باب «صراط مستقیم»، «بیوت»، «پاکان» (۸۹) و «شجره‌ی طیبه» عمداً فراموش می کنید! {مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى} (... ۹۰) نمی ترسید فردا هم کور وارد محشر شوید؟ انسانید یا خفاش؟ پس چرا از نور فرار می کنید؟ چرا {مَشَكَاتُ} را درست ترسیم نمی کنید؟ چرا {مَضِيحُ} را درست تدریس نمی کنید؟ چرا در دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، {يُكَادُ زَيَّتُهَا يُضَيءُ} (۹۱) را کاملاً تعریف نمی‌نمایید؟ خدایا! چه می گویم؟ با که بگویم؟! ... با که بگویم که امروز مصداق {لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ} (۹۲) مهدی آل محمّد علیه السلام است نه پاپ‌ها، اسقف‌ها و مصلح‌های ادعایی. علمای شیعه در زمان غیبت، خود را ریزه‌خوار سفره‌ی علمی و معنوی حضرت مهدی علیه السلام می‌دانند و هرگز خود را مصلح مطلق، هادی معصوم و حتی باب آن حضرت نمی‌دانند. باید دانست «هادی در آیه‌ی شریفه، برابری «هادی» را با «مُنْذِر» می‌رساند. «مُنْذِرُ بِنَایِ سَاخِطَانِ اسْلَامِ اسْتِ وَ «هَادِي» عَلَتْ مُبْقِيَه. (۹۳) فقط هادی نبی و رسول نیست و دین جدید نمی‌آورد، بلکه وقتی بدع و خرافات را کنار می‌زند و با جهالت مبارزه می‌کند، بعضی

فکر می‌کنند دین جدید آورده است. سنت او سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است؛ (۹۴) اهل صلح است نه اهل خشونت مگر با مفسدین و سران فساد و تباهی، اخلاق، اخلاق محمدی و روش روش احمدی صلی الله علیه و آله و سلم است. یکی از بزرگان در باب ولایت «هادی» گفته است «جزء اخیر از علت تامه». (۹۵) بدین معنا که اگر اعتقاد به ولایت حضرت علی علیه السلام و ائمه‌ی دیگر (علیهم السلام) تا حضرت مهدی علیه السلام، با اعتقاد به پیامبر و توحید الهی همراه نباشد، این دو اعتقاد، سودبخش و فلاح‌آور نخواهد بود. جزء اخیر از علت تامه - یعنی ولایت و امامت - است که باعث «اکمال دین» می‌باشد همان که قرآن می‌فرماید {الْيَوْمَ اكْمَلْتُ} (۹۶) دین بدون امامت علی علیه السلام مورد رضایت خداوند نبوده و نیست. اگر «واقفی» (۹۷) شدی، «زیدی» (۹۸) شدی، مسأله همین است، دین بدون ولایت امام مهدی علیه السلام جزء اخیر از علت تامه را ندارد. علت تامه‌ی سعادت و فلاح، توحید، نبوت امامت و قرآن و سنت به تفسیر و تبیین ولی الله الاعظم (عج) است. ای شیعیان! برای چه در دعای ندبه، به «أَيْنَ ... أَيْنَ ...» گفتن دل می‌سوزانید؟! چه گمشده‌ای دارید ...؟! مگر توحید ندارید؟! مگر به رسالت پیامبر معتقد نیستید؟! «کتاب الله» آیا کافی نیست؟ می‌گویید توحید شرط دارد، رسالت، علت مبقیه می‌خواهد. کتاب الله مفسر و مبین لازم دارد. می‌گویم: درست است. همان جزء اخیر از علت تامه را می‌گویید، قرآن هم همین را می‌فرماید: {أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ}. (۹۹) «أَيْنَ الْحَسَنِ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنِ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ؟» (۱۰۰) در این طرق طولانی و این روش‌های ظلمانی با وجود «ایسم‌ها» و مکتب‌های پوشالی، «شاقل و میزان» (۱۰۱) کجاست؟ نور کجاست؟ «أَيْنَ ... أَيْنَ ...» ... سرگردانی انسان را می‌رساند، به خصوص انسان این عصر؛ انسان این عصر را بگوئید هر روز ندبه بخواند و هر روز «أَيْنَ ... أَيْنَ ...» نماید. رفیق راه کجاست رفیقی که رهرو و ره‌شناس باشد، رفیقی که با دزدان طریق، رفیق نباشد؟ {حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا}. (۱۰۲) به روایات بنگرید ... رفیق راه «مهدی آل محمد» است. «صالح بعد از صالح» و «صادق بعد از صادق» را در کدام قوم و طایفه و حزب و جمعیت می‌یابید؟ «أَلَا إِنَّ الْإِسْلَامَ لَا يُزَالُ عَزِيزًا إِلَىٰ إِيْتِي عَشْرَ خَلِيفَةً» (۱۰۳) یعنی چه؟ برادران! خواهران! ... دوازده خلیفه‌ای که باعث سربلندی و آسیب‌ناپذیری اسلامند کجايند؟ از کدام قوم و طایفه؟ «أَيْنَ ... أَيْنَ؟!» ... راه را با تحقیق پیدا کنید، راهنما را با تحقیق بجوئید. مگر مردم صدر اسلام، وکیل ما بودند که راهنمای دین و امام مبین برای ما تعیین کنند و کدامین این‌ها صالح و صادق و مصداق «امام مبین» (۱۰۴) قرآن بودند؟ آیا می‌توانید بگوئید گذشته‌ها گذشت؟ مگر گذشته با حال و امروز ما مربوط نیست؟ چرا در معرفی «دوازده خلیفه» سرگردانند؟ خلیفه‌ای که به اسلام آسیب نرساند و باعث عزت دین باشد کجاست؟ آن که در زمان پیامبر باعث سربلندی اسلام بود، که بود؟ «آیه‌ی تطهیر» (۱۰۵) چه می‌گوید؟ مدرّس امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بر چه دلالت دارد؟ آیا خلفای بنی امیه و بنی عباس طهارت و صداقتشان به امضای حق رسیده است؟ آیا مبدأ علم و دانش بوده‌اند؟ «أَيْنَ ... أَيْنَ؟!» ... بر کدام راه دل بسته‌اید و در برابر کدام امام سرفروا آورده‌اید؟ امام نور یا امام نار ...؟!

پی‌نوشت‌ها:

(۱). سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۶. (۲). سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳. قالت عایشة: خرج النبی صلی الله علیه و آله و سلم غداً و علیه مِرْطٌ مُرَحَّلٌ مِنْ شَعْرِ اسْوَدٍ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیهم السلام) فَادْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَادْخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَادْخَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا} (صحیح مسلم کتاب فضائل الصّحابة، باب فضائل اهل بیت النبی (علیهم السلام) / السنن الكبرى، بیهقی، حدیث ۲۸۵۸) عن أم سلمة قالت: فی بیتی نزلت: {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ}، قالت فارسل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الی علی و فاطمة و الحسن و الحسين (علیهم السلام) فقال: «هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي»، حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت از بخاری انتقاد کرده و می‌گوید «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخرجه». (المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفة الصّحابة، حدیث ۴۷۵۹ به بعد) عن

ابی سعید الخدری قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: نزلت هذه الآية في خمسة: في و في علي والحسن والحسين وفاطمة (عليهم السلام) {أما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا}. عن انس ان النبي صلى الله عليه وآله وسلم كان يمر ببيت فاطمة عليها السلام ستة اشهر كلما خرج الى الصيالة فيقول الصيالة: {إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا}. (تفسير جامع البيان، طبري، ذيل آيه شريفه، حديث ۲۱۷۲۷ به بعد) اخرج الطبراني عن ام سلمه رضى الله عنها: ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال لفاطمة رضى الله عنها، ائنتى بزوجك و ابنه فجاءت بهم فالقى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عليهم كساء فدكيا ثم وضع يده عليهم ثم قال اللهم ان هؤلاء اهل محمد صلى الله عليه وآله وسلم - وفي لفظ آل محمد (عليهم السلام) - فاجعل صلواتك و بركاتك على آل محمد (عليهم السلام) كما جعلتها على آل ابراهيم انك حميد مجيد قالت ام سلمه رضى الله عنها فرفعت الكساء لادخل معهم فجدبه من يدي وقال انك على خير. (تفسير الدر المنثور، سيوطي، ذيل آيه شريفه، به ضميمه چند روايت ديگر) (۳). نجم الثاقب، صفحه ۶۱۲. (۴). قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله عزوجل و عترتى كتاب الله جل ممدود من السماء الى الارض و عترتى اهل بيتى و ان اللطيف الخبير اخبرنى انهما لئن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا بم تخلفوني فيهما. (مسند احمد، جلد ۳، صفحه ۱۸، و جلد ۲، صفحه ۱۷/ كنز العمال، متقى هندی حديث ۹۴۴ و احاديث بعد از آن) عن زيد ابن ارقم قال قام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يوما خطيباً فحمد الله و اثنى عليه ثم قال: ألا أيها الناس، فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، وأنا تارك فيكم ثقلين، أولهما كتاب الله، فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به فحث على كتاب الله ورغب فيه، ثم قال: وأهل بيتي، اذكركم الله في أهل بيتي، اذكركم الله في أهل بيتي، اذكركم الله في أهل بيتي. (صحيح مسلم، طبع سعودى، كتاب فضائل الصحابة باب من فضائل على بن ابى طالب (عليهما السلام) سنن الدارمى، دارالكتب العربى، جلد ۲، صفحه ۵۲۴، حديث ۳۳۱۶) قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ... فأنظروا كيف تخلفوني فى الثقلين؟ قالوا و ما الثقلان يا رسول الله؟! قال كتاب الله طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم فاستمسكوا به و لا تفرقوا و الآخر عترتى و ان اللطيف الخبير قد نبأنى انهما لئن يفترقا حتى يردا على الحوض فسألت ذلك لهما ربي فلا- تقدموهما فتهلكوا و لا- تقصروا عنهما فتهلكوا و لا- تلوهم فانهم اعلم منكم من كنت اولى به من نفسه فعلى وليه اللهم و آل من و الاءه و عاد من عاداه. (كنز العمال متقى هندی، حديث ۹۵۷) (۵). زيارت آل ياسين (عليهم السلام)، مفاتيح الجنان، محدث قمى. (۶). سوره مباركه فرقان، آيه ۵۷. (۷). عن ابى بريده فى قول الله «اهدنا الصراط المستقيم» قال صراط محمد و آلہ عن ابن عباس فى قول الله تعالى «اهدنا الصراط المستقيم» قال: يقول: قولوا معاشر العباد: اهدنا الى حب النبى و أهل بيته عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعلى بن ابى طالب عليه السلام: أنت الطريق الواضح و أنت الصراط المستقيم، و أنت يعسوب المؤمنين. عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ان الله جعل علياً و زوجته و أبنائه حجج الله على خلقه و هم أبواب العلم فى أمتى من اهتدى بهم هدى الى صراط مستقيم عن أبى جعفر الباقر عن أبيه عن جدّه قال قال رسول الله ص من سرّه أن يجوز على الصراط كالريح العاصف و يلج الجنة بغير حساب فليتول و لى و وصى و صاحبه و خليفتى على أهلى و أمتى على بن أبى طالب عن أبى جعفر الباقر عن أبيه عن جدّه (عليهم السلام) قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من سرّه أن يجوز على الصراط كالريح العاصف و يلج الجنة بغير حساب فليتول و لى و وصى و صاحبه و خليفتى على أهلى على بن أبى طالب عليه السلام، و من سرّه (و من اراد "خ) "أن يلج النار فليترك و لايتبه فو عزه ربي و جلاله إنه لباب الله الذى لا يؤتى إلا منه و إنه الصراط المستقيم و إنه الذى يسأل الله عن و لمايته يوم القيامة عن أبى عبد الله قال الصراط الذى قال إيليس لأقعدن لهم صراطك المستقيم (اعراف: ۱۶) فهو على عليه السلام عن حذيفة قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ان تولوا علياً- و لن تفعلوا- تجدوه هاديا مهديا يسلك بكم الطريق قال عبد الرحمن بن زيد بن أسلم، عن أبيه فى قول الله تعالى صراط الذين أنعمت عليهم قال: النبى و من معه و على بن أبى طالب و شيعته. حاكم حسانى در كتاب «شواهد التنزيل» كه به تفسير آيات نازله در شأن

اهل بیت اختصاص دارد با نقل این روایات و نظایر آن، منظور از «صراط مستقیم» را منحصر در وجود مقدس پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم ایشان (علیهم السلام) می‌داند. قندوزی حنفی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی { وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّوْطِ لَنَا كِبُونَ } (توبه ۷۴) از اصبع ابن نباته از لسان در افشان امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود «صراط، اهل بیت هستند». (ینابیع الموده، ج ۱، صفحه‌ی ۳۳۸ با ذکر چند روایت دیگر با این مضمون). وی همچنین در ذیل آیه شریفه { وَ إِنَّكَ لَتِيدِعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ } (مؤمنون: ۷۳) از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌نویسد: «صراط مستقیم "ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است (ینابیع الموده جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۹). خطیب خوارزمی در مناقب می‌نویسد: صراط بر دو قسم است: صراط دنیا و صراط آخرت، منظور از صراط دنیا علی بن ابی طالب علیه السلام و منظور از صراط آخرت، پل (روی) جهنم است؛ کسی که صراط دنیا را بشناسد می‌تواند از صراط آخرت بگذرد. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «آن گاه که قیامت بر پا شود و صراط بر جهنم نصب شود احدی از آن نمی‌گذارد، مگر کسی که جوازی با عنوان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام به همراه داشته باشد و این همان قول خداوند تعالی است که فرمود: { وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ } : آن‌ها را نگاه دارید که مورد بازخواست و پرسش هستند». (ینابیع الموده، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۸) ابواسحاق ثعلبی مفسر معروف عامه نیز در تفسیر «الکشف و البیان» به نقل از ابوهریره منظور از «صراط مستقیم» را صراط و راه محمد و آل محمد (علیهم السلام) می‌داند. قندوزی حنفی با نقل چند روایت دیگر به اثبات دلالت صراط مستقیم بر وجود اقدس حضرات معصومین (علیهم السلام) می‌پردازد که ذیلاً به بعضی آنها اشاره می‌شود: حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) می‌فرماید «ما (اهل بیت) ابواب الله و صراط مستقیم و گنجینه‌ی علم الهی و ترجمان وحی خدا و ارکان توحید و جایگاه سر خداوندی می‌باشیم». (ینابیع الموده، جلد ۱، صفحه‌ی ۷۶ و جلد ۳، صفحه‌ی ۲۵۹) امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) می‌فرمایند: «منظور از صراط مستقیم امام است و منظور از این که خداوند فرموده است: { وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ } (انعام ۵۳) راه غیر امام است و ما (اهل بیت) راه خدا هستیم». (ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۲۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود « يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ يَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصَّوْطُ الْمُسْتَقِيمُ ». (... ینابیع الموده جلد ۳، صفحه‌ی ۴۰۲). (۸). سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۷: { قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ }. پروردگار عالم به پیامبرش امر می‌فرماید: { قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسْبَهُ نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْبًا }. (شوری: ۲۳) عن ابن عباس قال لَمَّا نَزَلَتْ { قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى } قالوا: يا رسول الله! قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَمَرْنَا اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ وُلْدُهُمَا (علیهما السلام) ». (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۱) بیضاوی مفسر معروف عامه می‌نویسد: چون این آیه‌ی شریفه نازل شد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: نزدیکان تو (که خداوند امر به مودت آنان فرموده) چه کسانی هستند؟ فرمود: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و دو پسرشان (علیهما السلام) ». سپس فرمود: «معنی اقتراف حسنه (کار نیکو کردن)، کسب طاعت، خصوصاً محبت آل رسول است». (انوار التنزیل، بیضاوی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۹۷) دیگر مصادر عامه نیز نظیر تفسیر کشاف جلد ۴، صفحه‌ی ۲۲۰؛ مناقب ابن مغزلی، صفحه‌ی ۲۶۳؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ تفسیر ثعلبی، ذیل آیه‌ی شریف؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، صفحه‌ی ۱۰۱ و ۱۳۵؛ احیاء المیت، سیوطی، صفحه‌ی ۲۳۹؛ الدر المنثور، جلد ۷، صفحه‌ی ۳۴۸؛ تفسیر طبری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۰ و ... مصداق «قربى» را آل محمد (علیهم السلام) و مصداق «اقتراف حسنه» را مودت آل محمد (علیهم السلام) می‌داند. (۹). قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً حَيَاهِلِيَّةً ». این روایت و نظایر معنوی آن: (بغیر امام، لیس فی عنقه بیعه، و ...) در مدارک عامه نظیر صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۴۷۸ کتاب الاماره؛ تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ } ینابیع الموده؛ جلد ۳، صفحه‌ی ۴۵۶، نقل شده است. (۱۰). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۹. رازی مفسر

معروف عامه می‌نویسد: «کسی که جایز الخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را «صادقین» نامیده است؛ لذا این آیه دلالت بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان شوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و الا این دستور، تکلیف به ما لا یتطاق است.» (تفسیر رازی، جلد ۱۶، صفحه ۲۲۱) مصادری همچون شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ترجمه‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام، جلد ۴۲، صفحه ۳۶۱ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳ فتح القدیر شوکانی، جلد ۲، صفحه ۵۰۲؛ الصواعق المحرقة ابن حجر، صفحه ۳۱۶ روح المعانی آلوسی، جلد ۱۱، صفحه ۴۰ و ... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجود قدس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اذعان نموده‌اند.

(۱۱). { هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ } (سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲) (۱۲). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷. عن ابن عباس قال: لَمَّا نَزَلَتْ (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ : « أَنَا الْمُنذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي » وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى صَدْرِ عَلِيٍّ . فَقَالَ « أَنْتَ الْهَادِي بَعْدِي يَا عَلِيُّ بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ » . وَ فِي الْمَنَاقِبِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمٍ قَالَ سَأَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : « قَالَ كُلُّ أَمَامٍ هَادٍ لِكُلِّ قَوْمٍ فِي زَمَانِهِ » . (ينابيع المودة، جلد ۱، صفحه ۱۹۷) عن عبدالرحيم عن الباقر عليه السلام قال في تفسير الآية رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : « أَنَا الْمُنذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي ، أَمَا وَاللَّهِ مَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ » . (مأخذ پیشین). عن ابی هريره فی قوله تعالى: { إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ } یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و فی قوله { وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ } ، قَالَ سَأَلْتُ عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَقَالَ « إِنَّ هَادِيَ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ . عَلَيْهِ السَّلَامُ » . (شواهد التنزیل جلد ۱، صفحه ۲۹۷) عن عبدالله بن عامر قال از عجت الزرقاء الكوفيه الى معاوية فلما ادخلت عليه قال لها معاوية: ما تقولين في مولى المؤمنين علي: فانشأت تقول: صَلِّمِي الْبَالَةَ عَلَى قَبْرِ تَصَمَّنُهُ نُورٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعِدْلُ مِدْفُونًا مِنْ حَالَفِ الْعِدْلِ وَ الْإِيْمَانُ مُقْتَرِنًا فَصَارَ بِالْعِدْلِ وَ الْإِيْمَانِ مَقْرُونًا فَقَالَ لَهَا مَعَاوِيَةُ كَيْفَ غَرَرْتَ فِيهِ هَذِهِ الْغَرِيرَةُ فَقَالَتْ: سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِنَبِيِّهِ { إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ } الْمُنذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ ، وَ الْهَادِي عَلِيُّ وَ لِيُّ اللَّهِ . عَلَيْهِ السَّلَامُ » . (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه ۳۰۲). روایات دیگری با همین مضامین در دیگر کتب عامه نظیر کنز العمال، متقی هندی، حدیث ۴۴۴۳ تفسیر ابن کثیر، جلد ۲، صفحه ۵۲۰؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری جلد ۳، صفحه ۱۴۰؛ الدر المنثور سیوطی، جلد ۴، صفحه ۶۰۸ و ... به چشم می‌خورد. (۱۳). { وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ } . (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۷ ...). عن ابان بن ابی عیاش حدثنی سلیم بن قیس الهلالي قال سمعت عليا يقول: ، فَلَمْ أُنَسْ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا . فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ اخْتَصِرْتُهُ . مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا - أَوْ أَمْلَأَهَا - عَلَيَّ فَأَكْتُبُهَا بِخَطِّي وَ عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفْسِيرَهَا وَ نَاسِخَهَا وَ مُنْشَوخَهَا - وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا - وَ دَعَا اللَّهَ لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَهَا وَ حَفِظَهَا ، فَلَمْ أُنَسْ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا . . فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ اخْتَصِرْتُهُ .. عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ عَلِيٌّ يَعْلَمُ النَّاسَ بَعْدِي مِنْ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ مَا لَا يَعْلَمُونَ . عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ سَيَلُونِي يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ قَبْلَ أَنْ لَا تَسْأَلُونِي [كَذَا] فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَ أَنَا أَعْلَمُ بِهَا أَيْنَ نَزَلَتْ وَ فِيْمَنْ نَزَلَتْ ، فِي سَهْلٍ أَمْ فِي جَبَلٍ أَوْ فِي مَسِيرٍ أَمْ فِي مَقَامٍ . . عَنْ عُمَيْرِ بْنِ بِنِ بَشْرِ الْحَنْعَمِيِّ قَالَ: قَالَ ابْنُ عَمَرَ: عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْلَمُ النَّاسَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ . (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۳۰ به بعد، فصل ۴، فی توحده بمعرفة القرآن و معانيه و تفردة بالعلم بنزوله و ما فيه) (۱۴). « الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمَتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ » (مفاتيح الجنان، صلوات ماه شعبان) (۱۵). سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۲ و ۱۳. بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲) { يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ ... يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا }

روی القمی عن الصادق علیه السلام ... : « و من لم يجعل الله له نوراً یعنی اماماً من ولد فاطمة علیها السلام فما له من نور فما له من

امام یمشی بنوره کما فی قوله تعالی: نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ، قال أنما المؤمنون يوم القيامة نورهم يسعى بين أيديهم و بايمانهم حتى ينزل منازلهم من الجنان». (تفسیر الصّافی، سوره نور آیه ۴۰) (۱۶). سوره حدید، آیه ۲۵. عن داود الرّقی قال سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجلّ ...: { وَ السِّمَاءُ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ }، قَالَ «السَّمَاءُ» رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَبَضَهُ اللَّهُ ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيْهِ وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ وَ « الْمِيزَانَ » أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَصَبَهُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ قُلْتُ { أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ ؟ } قَالَ « لَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ بِالْعِضْيَانِ وَ الْخِلَافِ » قُلْتُ: { وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ؟ } قَالَ أَطِيعُوا الْإِمَامَ بِالْعَدْلِ وَ لَا تَبْخَسُوهُ فِي حَقِّهِ ». (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود، می‌خوانیم: « السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ ». (مفاتیح الجنان) (۱۷). سوره مائده، آیه ۳۵. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اِنَّه از فرزندان من هستند هر کس آنها را اطاعت کند، خدا را اطاعت نموده و هر کس مخالفت آنان کند، با خدا مخالفت ورزیده است ایشانند عروه الوثقی و ایشانند وسیله (تقرب به خداوند عزوجل)» (ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ۲۹۲) (۱۸). دعای توسل، مفاتیح الجنان (۱۹). { فَمَنْ حَرَّاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ } (سوره آل عمران، آیه ۶۱) شعبی به نقل از جابر می‌گوید: منظور از «ابنائنا حسن و حسین (علیهم السلام) و منظور از «نساننا» فاطمه علیها السلام و مصداق «انفسنا» علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند. عامر بن سعد به نقل از پدرش گوید: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را فراخواند و عرضه داشت «بار خدایا! این‌ها اهل من هستند». این روایت و نظایر آن را صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب «من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام»، حدیث ۳۲؛ شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۲۰، با ذکر ۹ روایت؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفه الصحابه، باب «من مناقب اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» با ذکر ۷ روایت الدر المنثور، ذیل آیه شریفه، به عبارات و طرق مختلفه از بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی ابونعیم، حاکم نیشابوری، ابن جریر، ابن مردویه، عبدالرزاق، ابن منذر، ابن ابی حاتم و بیهقی، تفسیر طبری، ذیل آیه شریفه؛ تفسیر کشاف زمخشری، ذیل آیه شریفه؛ جامع ترمذی، حدیث ۳۷۲۴؛ کفایه الطالب گنجی، الباب الثانی و الثلاثون فی قوله عزوجلّ فی آیه المباهله؛ مناقب ابن مغزلی حدیث ۳۶۲؛ تفسیر رازی، ذیل آیه شریفه؛ و ... نقل نموده‌اند. رازی، مفسر معروف و متعصب عاقله، ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «بدان که گویا این روایت در میان همه‌ی اهل تفسیر و حدیث، صحیح شمرده شده است.» (۲۰). دعای ندبه. (۲۱). عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه (علیهم السلام) قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: « الْقَائِمُ مِنْ وَالدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ سَمَائِلُهُ سَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي ». (... کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶) (۲۲). سوره هود، آیه ۸۶. عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: إِذَا خَرَجَ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ أَلْفِ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلًا لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ ... إِذَا خَرَجَ (القائم) أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطَلِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ». (... بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۲) امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت ولی عصر (عج) خروج کند، به خانه‌ی کعبه تکیه فرماید و ۳۱۳ نفر نزد او اجتماع کنند. اولین جمله‌ای که آن حضرت در این هنگام بر زبان جاری می‌کند، این آیه شریفه است. (۲۳). سوره بقره، آیه ۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می‌کنند و بر محبت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه ۴۱۴) حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی آیه ۲۰ سوره یونس { فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا } ... می‌فرماید: «غیب در این آیه حجت قائم علیه السلام است.» (ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ۲۴۱) (۲۴). اشاره به فرازی از دعای شریف ندبه ... « أَيْ أَرْضٍ تُفْلِكَ أَوْ تَرَى أ

بِرَضْوَى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طَوَى؟» (رَضْوَى "کوهی است در نزدیکی مدینه و" ذی طوی "موضعی است در یک فرسخی مکه در راه تنعیم). امام باقر علیه السلام در حالیکه با دست مبارکش به ناحیه «ذی طوی» اشاره می‌نمود، می‌فرمود: «برای حضرت صاحب الأمر علیه السلام غیبی است در بعضی از این شعبه‌ها و کوه‌ها». (تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نمل). (۲۵). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۲: { مَنْ قَتَلَ نَفْسًا ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا } (۲۶). سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۳۰. علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت در مورد این آیه فرمود «یعنی هنگامی که امامتان غایب شود کیست که جز او برایتان امامی جدید بیاورد؟». (ینابیع المودّة جلد ۳، صفحه‌ی ۲۵۳) (۲۷). { مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ } (سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۱۹ تا ۲۲) سلمان و ابن عباس و ضحاک درباره‌ی این آیات شریفه می‌گویند: «منظور از بحرین، علی و فاطمه (علیهما السلام) و منظور از برزخ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مراد از لؤلؤ و مرجان، حسنین (علیهما السلام) می‌باشند». (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۰۸؛ مناقب ابن مغزالی صفحه‌ی ۲۷۷) (۲۸). سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳. (۲۹). سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۵: { وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ }. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «منظور، علی علیه السلام است». (مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۸۴) علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (علیهما السلام) نقل می‌کند که درباره‌ی این آیه شریفه فرمود: «منظور از { بئر معطله } امام صامت و { قصر مشید } امام ناطق است. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۲۷). مرحوم علی بن ابراهیم قمی (علیه الرحمه) می‌نویسد: «و اما قوله: { وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ } قَالَ هُوَ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام)؛ قوله { بئر معطله } . هِيَ الَّتِي لَا يَسْتَسْقِي مِنْهَا وَ هُوَ الْإِمَامُ الَّذِي قَدْ غَابَ فَلَا يُقْتَبَسُ مِنْهُ الْعِلْمُ، وَ « قَصِيرٍ مَشِيدٍ » هُوَ الْمُرْتَعُ وَ هُوَ مَثَلٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْإِنَّمَةُ (علیهم السلام) وَ فَصَائِلُهُمُ الْمُتَشْتَرَةُ فِي الْعَالَمِينَ الْمَشْرِفَةِ عَلَى الدُّنْيَا وَ هُوَ قَوْلُهُ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ قَالَ الشَّاعِرُ فِي ذَلِكَ بئر معطله وَ قَصْرٌ مُشْرِفٌ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ مُسْتَطْرَفٌ فَالْقَصْرُ مَجْدُهُمُ الَّذِي لَا يُزْتَقَى وَ الْبئرُ عَلِمُهُمُ الَّذِي لَا يُتْرَفُ (تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۰) (۳۰). سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۷. فی الاکمال عن الباقر علیه السلام قال « يُحْيِيهَا اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرِ مَيِّتٌ ». (تفسیر الصافی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ کمال الدین و تمام النعمه، باب فی نوادر الکتاب، حدیث ۱۳؛ تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی شریفه) (۳۱). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۴۳. عن ابی سعید الخدری قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ قَوْلِ تَعَالَى: « وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ » قَالَ: « ذَلِكَ أَحْيَى بِنِيبِ ابْنِ طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷ همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنفیه، ابن عباس ابی صالح) (۳۲). سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹. عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تَعَالَى { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ } ... قَالَ: { الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ } نحن؛ { وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ } عدونا: { إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ } شیعتنا. عن الضحاک عن ابن عباس فی قوله: { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ } قال یعنی ب { الَّذِينَ يَعْلَمُونَ } علیاً علیه السلام و اهل بینه من بنی هاشم و { الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ } بنی امیه و { أُولُو الْأَلْبَابِ } شیعتهم (ای شیعه اهل البیت علیهم السلام) شواهد التنزیل جلد ۲، صفحه‌ی ۱۱۶ (۳۳). بسیاری از دانشمندان سنی تصریح نموده‌اند که مهدی (عج) فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. (راجع المنتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنّة) (۳۴). سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵. عن الباقر و الصادق (علیهما السلام) فی قوله تَعَالَى { وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ }، قالوا: «هم القائم و أصحابه». (ینابیع المودّة، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۴۳). (۳۵). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود « الْعَزْوَةُ الْوُثْقَى الْمَوْدَّةُ لِآلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام) » (ینابیع المودّة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۱) قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعلي بن ابی طالب علیه السلام: « أَنْتَ الْعَزْوَةُ الْوُثْقَى ». (ینابیع المودّة، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۷۸) صاحب مناقب می‌نویسد: «ابن عباس گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که یک اعرابی آمد و گفت ای رسول خدا! شنیده‌ام که می‌گویی به ریسمان الهی چنگ زنی. ریسمان و جبل الهی چیست؟ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستش را در دست علی علیه السلام قرار داد و به او فرمود «به این شخص متمسک شوید، او

حبل الله المتین است.» (ینابیع المودّة، جلد ۱ صفحه‌ی ۳۵۶) فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحَجَّجَ اللَّهُ عَلَيَّ الْخَلْقَ بَعْدِي وَ سَادَةَ أُمَّتِي وَ قَادَةَ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ حَزْبُهُمْ حَزْبِي وَ حَزْبِي حَزْبُ اللَّهِ وَ حَزْبُ أَغْيَادِهِمْ حَزْبُ الشَّيْطَانِ. عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آيَاتِهِ (عليهم السلام) عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ « مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَيْفِيئَةَ النَّجَاةِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا لِيَأْتَمَّ بِالْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ ». عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ: { وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا } ... فَالْمُسْتَمْسِكُ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُسْتَمْسِكُ بِالْبِرِّ فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ تَرَكَهُ كَانَ خَارِجًا مِنَ الْإِيمَانِ. ». عَنْ ابْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: « وَ لَأَيَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي ». (شواهد التنزيل، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۳۰) (۳۶). اشاره به حدیث سلسله الذهب. قال (علی بن موسی الرضا علیه السلام) سمعت أبي موسى ابن جعفر يقول سمعت ابي جعفر بن محمد عليه السلام يقول: سمعت ابي محمد بن علي (عليهما السلام) يقول سمعت ابي الحسين بن علي بن الحسين (عليهما السلام) يقول سمعت ابي الحسين بن علي (عليهما السلام) يقول: سمعت امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول سمعت جبرئيل عليه السلام يقول: سمعت الله جل و عز يقول: « لَأ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي »؛ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا « بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا ». « لا اله الا الله دژ محکم من است پس هر آن کس که در قلعه و دژ من در آید، از عذابم در امان است. ». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ برآورد: «به شروطش و من از شروط آنم». (بحار الأنوار جلد ۴۹، صفحه‌ی ۱۲۳) (۳۷). اشاره به حدیث «سلسله الذهب». (مراجعه شود به پی نوشت شماره‌ی ۳۶) (۳۸). کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (ینابیع المودّة، ج ۳ ص ۴۵۶) این روایت به عبارت دیگر نیز در مسانید شیعه و عامه نقل شده است. صحیح مسلم چاپ سعودی ج ۳، ص ۱۴۷۸، کتاب الامارة و نیز تفسیر ابن کثیر ذیل آیه‌ی شریفه‌ی { أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ } آورده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که بمیرد در حالی که بیعت امامی بر گردن او نباشد، به مگر جاهلیت مرده است. (در کتاب «شناخت امام، راه‌هایی از مرگ جاهلی» هفتاد روایت با همین مضمون از طرق عامه نقل شده است). (۳۹). به نقل از دانشنامه‌ی امام علی علیه السلام، ج ۱۱، ص ۳۰۹. (۴۰). تفسیر «المنار» جلد ۶، ص ۲۸۸. (۴۱). مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۴. (۴۲). مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام ... { وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ } در سوره‌ی الحاقه، آیه‌ی ۱۲. حاکم حسکانی حنفی می‌نویسد از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «خداوند مرا امر کرد که تو را نزدیک نمایم و دور نکنم و تو را بیاموزم تا فراگیری و این آیه { وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ } بر من نازل گشت. پس ای علی! تو آن گوش شنوا برای علم من هستی و من شهر و تو دروازه‌ی آن شهری، و وارد شهر نمی‌شوند مرگ از در آن». (شواهد التنزيل، جلد ۲، ص ۲۷۴، به ضمیمه‌ی ۲۱ روایت دیگر با همین مضمون). (۴۳). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۵. (۴۴). برگرفته از جزوه‌ی «سخنی کوتاه در علم امام چاپ ۱۸/۶/۵۱ که به شماره‌ی ۸۲۱ در کتابخانه‌ی ملی به ثبت رسیده است. این مقاله در روزنامه‌ی جام جم به تاریخ ۲۱/۱۲/۸۲ شماره‌ی ۱۱۰۴ منتشر شده است. سزاوار است از مسئول محترم این روزنامه به خاطر درج بعضی از مقالات آموزنده و ولایی تشکر و سپاسگزاری گردد. سلامت و سعادت ایشان و همه‌ی خدام امام زمان علیه السلام را از خدای متعال خواستاریم. (۴۵). سروده‌ی نویسنده. (۴۶). از اسامی حضرت ولی عصر (عج) در «نجم الثاقب». (۴۷). سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۴. (۴۸). سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰. (۴۹). خانم دوریس از آلمان. (۵۰). مرحوم آیت الله موسوی اصفهانی (ره) در کتاب شریف «مکیال المکارم» می‌نویسد «یکی از دوستان صالحم برای من نقل نمود که در خواب مولانا حجه بن الحسن (عليهما السلام) را زیارت کردم و حضرت فرمایشی به این معنا فرمود «همانا من برای مؤمنی که مصیبت جد شهیدم (سیدالشهداء علیه السلام) را یاد نماید و پس از آن برای من به تعجیل فرج و تأیید، دعا کند دعا می‌نمایم». (مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶). (۵۱). سروده‌ی نویسنده. (۵۲). {لا

إِكْرَاهٍ فِي الدِّينِ: سورهی بقره، آیهی ۲۵۶. (۵۳). عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ: «زَكَاتُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ». (مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحهی ۴۶) (۵۴). قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «طَلَبُ الْعَمَلِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». (علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۲، صفحهی ۳۲) (۵۵). نَهَجُ الْبَلَاغَةِ، خطبه‌ی ۱۴۷. (۵۶). این لغت که در اصل یونانی است از پیشوند «peri» به معنی «خیلی» است که همان حکم «تر» و «ترین» را در زبان پارسی دارد و لغت «kileos» به معنی «ستایش حمد، شکوه و جلال» است. پس این واژه به معنی «بسیار ستوده» است که در عربی مترادف «محمّد» و «احمد» صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. (به کتاب مصقل صفا، میرسیداحمد علوی، صفحه ۱۸۴ مراجعه فرمایی) (۵۷). سوره‌ی اعراف، آیهی ۱۵۷. (۵۸). بنا بر نظر کثیری از علمای شیعه، نام بردن از حضرت ولّی عصر (عج) به اسم اصلی آن حضرت که همان نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، در زمان غیبت حرام است. (۵۹). «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». (سوره‌ی رعد آیهی ۴۳) عن ابی سعید الخدری قال: سألتُ رسولَ الله صلی الله علیه و آله و سلم عن قولِ الله تَعَالَى: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، قَالَ: ذَلِكَ أَخِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحهی ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا ابن حنفیه ابن عباس و ابی صالح) (۶۰). «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ». (مفاتیح الجنان، زیارت آل یس (علیهم السلام) (۶۱). «وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ». (سوره‌ی اسراء، آیهی ۴۳) (۶۲). از مطالب منصوصه‌ی در احادیث فریقین، اقتدا و وزارت حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیهما السلام نسبت به حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه است. جابر بن عبدالله گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ... «عیسی بن مریم نازل می‌شود و امیر و امام مؤمنین به او فرماید: بیا و برای ما نماز بگذار. عیسی گوید: نه، بعضی شما بر بعضی دیگر امیر هستید» (... صحیح مسلم جلد ۱، صفحهی ۵۵، مسند احمد بن حنبل، جلد ۳، صفحهی ۳۴۵؛ کفایه الطالب گنجی شافعی، صفحهی ۴۴۹) گنجی، پس از نقل این روایات گوید: «امیر مسلمین در این روز، مهدی علیه السلام است» و سپس می‌نویسد: «تقدّم امام مهدی علیه السلام بر عیسی علیه السلام، دلیل بر برتری و افضلیت او بر عیسی علیه السلام می‌باشد». (۶۳). سوره‌ی قدر آیهی ۴. در تفسیر قمی ذیل آیه‌ی شریفه آمده است: «ملائکه و روح القدس بر امام زمان نازل می‌شوند و آن چه از مدّت عمرها و امور ارزاق و هر چه اتفاق خواهد افتاد را که نوشته‌اند، به محضر او تقدیم می‌کنند». (۶۴). شیخ طوسی، مصباح المتهجد، صفحهی ۶۹۶. (۶۵). «فارقلیطا» واژه‌ای سریانی است که از اصل یونانی «پریقلیطوس» به معنای «بسیار ستوده و پسندیده» مشتق شده و این معنی مترادف واژه‌های «محمد و احمد صلی الله علیه و آله و سلم» می‌باشد. (به کتاب ارزشمند «انيس الأعلام في نصره الإسلام» جلد ۱، صفحهی ۱۳ مراجعه فرمائید). (۶۶). منظور، ره‌یافتگان به مکتب قرآن و عترت (علیهم السلام) می‌باشند. (۶۷). مفاتیح الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره. (۶۸). علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار جلد ۵۲، صفحهی ۱۴۶. (۶۹). کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (قندوزی حنفی، ینایع المودّة، جلد ۳، صفحهی ۴۵۶) این روایت به عبارات دیگر نیز در مسانید شیعه و عامّه نقل شده است. صحیح مسلم، چاپ سعودی، ج ۳، صفحهی ۱۴۷۸، کتاب الاماره) و نیز تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی {اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم} آورده است: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود کسی که بمیرد در حالی که بیعت امامی بر گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است». (در کتاب «شناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی»، هفتاد روایت با همین مضمون از طریق عامّه نقل شده است) (۷۰). مقصود از «فقه اکبر» علم کلام و عقاید است. (۷۱). اشاره به فرمایش حضرت ولّی عصر (عج) به سید رشتی در تشرّف منقول در مفاتیح الجنان محدّث قمی (ره). (۷۲). بحمدالله با توجهات خاصه‌ی مولانا حجّه بن الحسن العسکری ارواحنا فداه برخی از این شعب در داخل و خارج کشور به بهره‌برداری رسیده است. (۷۳). تفسیر یا تأویل بیش از ۲۴۰ آیه در قرآن در موضوع مهدویّت می‌باشد. (۷۴). سوره‌ی روم، آیهی ۳۰. (۷۵). سوره‌ی بقره، آیهی ۳. عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزّوجلّ: {هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} قَالَ: «مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ». (بحار الأنوار، جلد ۵۱، صفحهی ۵۲) فقال (الصادق

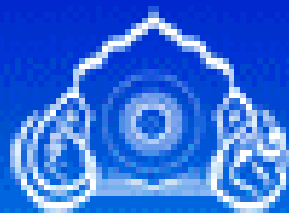
علیه السلام): «وَالْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ». (... بحار، جلد ۵۲، صفحه‌ی ۱۲۴) (۷۶). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می‌کنند و بر محبت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۱۴) عن جابر الأنصاری عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: «طوبى للّصّ ابرين في غيبته، طوبى للمقيمين على محبتهم اولئك وصفهم الله في كتابه فقال {وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} ... (بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه‌ی ۱۴۳) (۷۷). اشاره به برخی تفسیرهای جاهلانه یا مغرضانه از معنای «ولّی» در حدیث شریف و متفق علیه «غدیر». (۷۸). سوره‌ی ابراهیم علیه السلام، آیه‌ی ۲۴. عن سلام بن المستنیر، قال سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: {كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا ...} قال: «الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلْمُ نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَ عُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ الزَّهْرَا عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اغْصَانُ الشَّجَرَةِ وَ ثَمَرُهَا الْأئِمَّةُ (عليهم السلام) وَ وَرَقُ الشَّجَرَةِ الشَّيْعَةُ» (... الصَّفَّارُ بصائر الدرجات، صفحه‌ی ۷۹) (۷۹). سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۹. اهل ذکر (قرآن) و وسیله‌ی الهی برای حفظ آن، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. حارث گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی این آیه‌ی شریفه سؤال کردم، فرمود: «والله! ما اهل ذکر و اهل علم و معدن تأویل و تنزیل هستیم.» (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۳۲) (۸۰). شرح نهج البلاغه، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹. (۸۱). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۳. به معنای الأخبار شیخ صدوق، صفحه‌ی ۱۰۸ مراجعه کنید. در تفسیر امام علیه السلام روایت شده است «این شجره، شجره‌ی علم محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بود که اختصاص به ایشان دارد و سایر خلق را زان آن، نصیب و بهره‌ای نیست. (تأویل الآیات الباهرات، صفحه‌ی ۱۹؛ تفسیر صافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۱۶) (۸۲). «السلام عليك أيها العلم المنصوب و العلم المصوب» (زیارت آل یس (علیهم السلام)) (۸۳). {وَيَقُولَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ}. (سوره‌ی رعد آیه‌ی ۴۳) عن ابی سعید الخدری قال سألت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن قول الله تعالى {وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ} قَالَ: «ذَلِكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷ به همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطاء، ابن حنّیه، ابن عباس و ابی صالح) (۸۴). نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲. (۸۵). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴. (۸۶). کلینی، اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۴۳. (۸۷). سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶. انس بن مالک و بریده گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود {فی بیوت... تا و الأبصار}. مردی برخاست و عرض کرد ای رسول خدا! این خانه‌ها، کدام خانه است؟ حضرت فرمود: «خانه‌های انبیاء (علیهم السلام) است». پس ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه‌ی علی و فاطمه (علیهما السلام) اشاره می‌کرد، گفت: یا رسول الله! آیا این خانه هم از جمله‌ی این بیوت است؟ حضرت فرمود: «آری! از برترین آن خانه‌هاست.» (شواهد التنزیل جلد ۱، صفحه‌ی ۴۱۰) باید از خلیفه پرسید که آیا خانه‌ای که چنین عظمت و جایگاهی دارد شایسته‌ی آن بود که دستور آتش زدند صادر شود...؟! (۸۸). سوره‌ی حمد آیه‌ی ۶ (جهت توضیح بیشتر، رجوع شود به پی‌نوشت شماره‌ی ۷ (از مقاله‌ی آینه‌ی زیبایی‌ها)) (۸۹). سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳. (توضیح بیشتر را در پی‌نوشت شماره‌ی ۱۲ (از مقاله‌ی آینه‌ی زیبایی‌ها) خواهید دانست). (۹۰). سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۲. (۹۱). سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۵. ابن مغزلی از بزرگان اهل سنت در ضمن روایتی، منظور از {مشکات} حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و مقصود از {مصباح} را امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و {یکادُ زیتها یضیء} را با عنوان «نزدیک است که علم از آن (شجره) بجوشد» معنی می‌کند. (مناقب ابن مغزلی صفحه‌ی ۲۶۴) (۹۲). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷. (مراجعه شود به پی‌نوشت شماره ۱۲ از مقاله‌ی «آینه‌ی زیبایی‌ها») (۹۳). باقی نگهدارنده. (۹۴). عن الصادق جعفر بن محمّد عن ابیه عن جدّه (علیهم السلام) قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «الْقَائِمُ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ سَمَائِلُهُ سَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَيَّ عَلَيَّ مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي». (کمال الدین و تمام النعمه جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶) (۹۵). تصوّر کنید دارویی از پنج جزء تشکیل شده، اگر یک جزء آن را نیافتیم، دارو مؤثر نخواهد افتاد. (۹۶). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«پس از آن که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مرا گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه»، ... سلمان پرسید: یا رسول الله! این ولایت چگونه ولایتی است؟ فرمود: ولایت او همچون ولایت من است؛ هر که من سزاوارتر از خودش بر او هستم، علی هم نسبت به او این چنین است. در این هنگام آیهی { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ } ... نازل شد. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگارم به رسالت من و ولایت علی پس از من! عده‌ای گفتند: یا رسول الله! این آیات فقط مخصوص به علی علیه السلام است؟ فرمود: آری، در مورد او و اوصیای من تا روز قیامت می‌باشد. گفتند: آن‌ها را به ما معرفی کن. فرمود علی، برادر و وارث و وصی من و ولی هر مؤمن پس از من است، سپس فرزندم حسن، سپس فرزندم حسین و پس از او نه (امام) از فرزندان حسین؛ قرآن با ایشان و ایشان با قرآنند؛ نه قرآن و نه ایشان از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند». (... ینابیع المودّة جلد ۱، صفحه‌های ۳۴۳ و ۳۴۷) ابوهریره گوید هر کس روز ۱۸ ذی‌الحجه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزهی شصت ماه در نامه‌ی اعمال او بنویسد و این روزه، روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت: به به! مبارک باد بر تو یا پسر ابی طالب! ابی سعید خدری گوید: چون این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من! هر که من سرپرست و صاحب اختیار او بودم، علی علیه السلام ولی و صاحب اختیار اوست. خداوند! دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن بدارد و یاری کن هر که او را یاری کند و واگذار هر کس او را واگذارد.» (الدر المنثور، جلد ۲، صفحه‌های ۲۵۹؛ مناقب خوارزمی صفحه‌های ۶ شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌های ۲۰۰ به بعد؛ تاریخ مدینه‌ی دمشق، جلد ۴۲، صفحه‌های ۲۳۳) (۹۷). «واقفیه کسانی هستند که بر امامت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) توقف کرده‌اند. (۹۸). «زیدیّه» کسانی هستند که معتقد به امامت زید بن علی پس از امام سجاد علیه السلام هستند. (۹۹). سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹. اخطب خوارزم در مناقب، صفحه‌های ۶ می‌نویسد: ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود «هنگامی که به آسمان رفتم، از زیر عرش الهی ندایی شنیدم که: علی، پرچم هدایت و حبیب و دوست هر آن کسی است که به من ایمان آورد. ای محمد! این مطلب را (به مردم) برسان. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زمین آمد، این مطلب را در سینه نگاه داشت، پس فرمان الهی آمد که: ای رسول! آنچه را در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام بر تو نازل شده بیان کن و اگر چنین نکنی رسالت الهی را نرسانده‌ای و خداوند تو را از (آزار مردم حفظ خواهد کرد». (شواهد التنزیل ذیل آیه‌ی شریفه) از دیگر مدارک عامّه می‌توان به: اسباب النزول، صفحه‌های ۱۳۵؛ الدر المنثور جلد ۲، صفحه‌های ۲۹۸؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه و ... بسیاری دیگر از کتب فریقین اشاره نمود. (۱۰۰). دعای ندبه. (۱۰۱). عن داود الرقی قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل ...: { وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ } قَالَ السَّمَاءُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ قَبْضَهُ اللَّهُ ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيْهِ وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ وَ الْمِيزَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَصَبَهُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ. قُلْتُ { أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ } قَالَ لَمَا تَطْعَمُوا فِي الْأَيَّامِ بِالْعَصِيَّانِ وَ الْخَلَّافِ قُلْتُ { وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ } قَالَ أَطِيعُوا الْإِمَامَ بِالْعِدْلِ وَ لَا تَبْخَسُوهُ مِنْ حَقِّهِ ». (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه) امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷ سوره‌ی شوری، فرمود: «میزان، امیرالمؤمنین علیه السلام است». (... تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌های ۲۶۵) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود نیز می‌خوانیم: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّكَ يَا مِيزَانُ يَوْمَ الْحِسَابِ». (مفاتيح الجنان) (۱۰۲). سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹. (۱۰۳). مسند ابی داوود، صفحه‌های ۱۸۰. در مدرک دیگر عامّه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح این معنا فرمود: «كلهم من بني هاشم». (ینابیع المودّة، جلد ۲، صفحه‌های ۳۱۵ جلد ۳، صفحه‌های ۲۹۰) (۱۰۴). امام باقر علیه السلام از پدرش از جدش (علیهم السلام) نقل می‌فرماید که فرمود: «هنگامی که آیه‌ی { وَ كَلَّ شَيْءٍ أَحْصِيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مَبِينٍ } (یس، ۱۲) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید، ابوبکر و عمر برخاسته، گفتند: یا رسول الله! آیا منظور از «امام مبین» تورات است؟ فرمود نه. گفتند: آیا

انجیل است؟ فرمود نه. گفتند: پس قرآن است؟ فرمود: نه. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آورد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (منظور از امام مبین) این شخص است. او امامی است که خداوند، علم همه چیز را در وجود او جمع کرده است. (تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی شریفه به ضمیمه‌ی چند روایت دیگر) ۱۰۵. به پی‌نوشت ۸۹ مراجعه فرمایید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

